

راه سرخ

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

قیمت ۱۵ ریال

شماره ۵ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان چهارشنبه ۱۳۵۸/۱۰/۵

گواهی باد خاطره شهدای ۲۱ آذر

قیام تاریخی و قهرمانانه خلق آذربایجان در روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ روز حماسه آفرینی کارگران ، زحمتکشان و توده های بیخاسته و نخست منطقه امپریالیستهای انگلیس و آمریکا روز لایزال و زنان و مردان شهروانی بود که در پی زین برنجریات مبارزات رها نشین و مکر اتیک جنگهای ایران افزود .
بقیه در صفحه ۷

توطئه فتودالهای مغان

و حوادث اخیر تبریز

خانها بنده و اسبای منصوبه مغان که گذشته ای سرشار از زورگوشی و ظلم و خائفتن بد رژیم سرسبز امپریالیزم دارند ، بعد از قیام پرشکوه مردم با هواپرها کتفید اند که همچون گذشته عنان حرکت پر خروش توده های زحمتکش منطقه را بدست گرفته و به لطائف الحیل آبرام ساز نمایند و با درایت مسیوحرافی بیاندازند آنان که کوله بار سنگینی از فقر و انزجار توده های ارگدشته های در پشت سر دارند رمانی از طوبی نه در کینه ها ...
بقیه در صفحه ۱۵

در این شماره :

مناظره کارگران آسمان با حزب توده . در صفحه ۱۰

حکومت های سرمایه داری نه میخواهند و نه میتوانند ممکن زحمتکشان را تأمین نمایند .

اتحاد ، مبارزه و پیروزی کارگران شرکت راهسازی آربل

هیات حاکمه و شورای خانهای مغان .

یکی دیگر از سیاستهای ضد کارگری هیات حاکمه را بشناسیم .

روستائیان با شعار « مرگ بر ارباب » ، « مرگ بر سرمایه دار » زمینهای ارباب را مصادره کردند :

بار دیگر تعدادی از کارگران قربانی سودپرستی سرمایه داران شدند .

.....

حوادث تبریز :

اوج گیری جنبش خلق ،

قدرت طلبی لیبرالها ،

سازشکاری خرده بورژوازی ،

و ... همداری به پرولتاریا .

حق زحمتکش آذربایجان ، همدین و همراه تمامی جنگجویان زحمتکش همین مبارزه ضد امپریالیستی ... مکر اتیک را بعد از سرنگونی رژیم وابسته با امپریالیسم شاه ادامه داده و میدهد .
بقیه در صفحه ۷

دولت به انواع حیلها و عوام فریبی هادست

می زند تا نگذارد کارگران به قدرت واقعی

خود پی ببرند .

— کمونیستهای کارگران میگویند هر قانونی تدوین شود ، اگر توجیهی نباشد و مراعات آن نباشد فقط نوی کتایبهای قانون و با بصورت بحثنامه های سر دیوار میماند .

— کمونیستهای کارگران میگویند این رسالت تاریخی نوشتن که با یاری دیگر زحمتکشان قادر هستی قانونهای سرمایه داران را همراه با تنظیم سرمایه داری از میان ببری .
بقیه در صفحه ۵

ما از شورای کارخانه کبریت سازی توکلی

سوال می کنیم :

شما از منافع چه کسانی دفاع می کنید

کارگران یا سرمایه داران ؟

در صفحه ۲۰

چرا رستمعلی بر باره کارگر کارخانه ایردای

کشته شد ؟

در صفحه ۱۱

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

بقیة سرمه‌السیب :

این مبارزه انقلابی که در شهاب رهبری پرولتاریا و سازمان انقلابی او - حزب طبقه کارگر - بر دهر برداری نیروها و مرتجع و سازشکار قرار گرفته و می‌گردد

بهره گیری از شور انقلابی بوده های زحمتکش آذربایجان ، سینه ماهیان ، اشیر و معد از قیام خالده شمشاد ، قبل از سرنگونی شاه و در جریان مبارزه دایره رژیم دیکتاتوری وابسته با امپریالیسم و پس از قیام حماسه آفرین ۲۲ بهمن ۵۶ و نیروهای مرتجع محلی سعی در کند کردن تیرگی گیری زان در حرکت قهرآمیز بوده ای نمودند . نیروهای مرتجع و سازشکار به رهبری آیت الله تاقی و با دلوح شعارهای سلامت جویانه و آنتی دلیتانه تلاشی نمودند در برابر این کاذب شده بود ند که مانع عمقیافتن مبارزه بوده ها و مانع حرکت مستقل آنان و مانع تهاجم قهرآمیز بوده ای گردند . در آنروز آیت الله تاقی با همدستی دیگر روحانیون معلومی ، با یکدگر گیری تمام نفوذ مذهبی و سیاسی اش ، جلو حرکات قهرآمیز و انقلابی بوده ها و در آید ، آنهارا دعوت به آرامش و آنتی پارتنر ضد خلقی میزدند . در همان زمان نیروهای مرتجع و سازشکار محلی با تشکیل و ترتیب دسته های انقلابیست ، به تابلو با شعارها و حرکات مستقل انقلابی و تارگری میزدند تا اسامی روحانی از دست رفته و جنبش به راه یکالیسم کشاده شود .

کارگران و زحمتکشان تیریزیداد دارند روزهایی را که ارتش وحشیانه مردم راه رگباری بست و نیز زیاد دارند که چگونه موقه یک تودو های خشمگین ضد جمله بطرف ارتش امپریالیستی را داشتند ، سازشکاران - بعد از آن می آمدند و با دلوح شعارهای آنتی طلبانه مانع آسیب پذیری ارتش وابسته با امپریالیسم می شدند . در آنروزها روحانیت تمام تالان خود را بر این گذاشته بود که جنبش خلقی را مهارزند و آنرا در خدمت اهداف و ضایع اترار سازشکار خود ، بهرروازی و منافع تشری خود بکار گیرند . این سیاست آنتی جویانه ، در این یا آن گوشه از میهن ما ، به درجات مختلف به اشکال گوناگون خود را نشان میداد .

این سیاست کلی روحانیت در مبارزه تلبیه رژیم دیکتاتوری شاه بود ، روحانیت میخواست که شاه را سرنگین کند و در این راه نیروی بوده ها را بخدمت میگرد و ولی به اعتبار ماهیت طبقاتی خویش نمیتوانست بیانگر خواستها و شعارهای انقلابی مردم بکال زحمتکشان باشد . او در این راه به نیروی بوده ها ایمان نداشت و از این رو بود که ضمن بکارگیری این نیروی ها هیچگونه سازش با سران موسسود ارتش ، با سیاستمداران سازشکار جبهه ملی که دفاع از سرمایه داری وابسته را هدف قرار داده بودند خود داری نمیگردد .

این سیاست سازشکارانه خورد بهرروازی و در تمام خود راه رشد بهرروازی لیبرال در حاکمیت را تسهیل کرد ، گرایشات ارتجاعی خورد بهرروازی ، مخصوصا " وحشت او از جنبش طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ، او را بطرف سرمایه داری وابسته با امپریالیسم سوق داد . خصالتهای ارتجاعی خورد بهرروازی حاکم او را تا با تهاجم پیش برد کینه بهرروازی لیبرال تاراس دولت یعنی نخست وزیر (بازوگان) در اس وزارتخانه هائو انستصعود نماید .

زیر شعارها و بر نامه های ارتجاعی خورد بهرروازی حاکم نه تنها لیبرالها بلکه نمایندگان بهرروازی انحصاری نظیر چمران و قطب زائ و

یستوی ، امیرانتظام ، فلاحی ، مدنی و . . . نیزه ها ، از هسل پند آرد و هر خود را تا بالاترین ارگانهای قدرت نظیر ارتش و وزارت امور خارجه بران یونولویزین بالا بکشند .

در روند بقدرت رسیدن هذاب وابسته با امپریالیسم ، سیاستمداران چابند آری از سرمایه داری وابسته و حمایت از ضایع امپریالیسم نیز به تدریج خود را در حاکمیت آشکارا نشان دادند . تقویت شدن چتر جناح بهرروازی وابسته در حاکمیت سیاسی و وسیله ای بود برای آنان تا بران تثبیت موقعیت اقتصادی خویش تا بهای شتابان بردارند . در وقت از سرمایه داران فراری ، اسال تران امپریالیستی و فرود کارگزاران کارخانه ها و عت قرار در ان گوناگون اقتصاد و اداریست . نفت با همان ضوابط و قوانین امپریالیستی حاکم بر آن بود . در آنروزها همه همه گویای بازگشت تدریجی سرمایه داران وابسته به سیاست سیاسی و اقتصادی است .

این وضعیت و بعضی تقویت مجدد موقعیت بهرروازی وابسته با امپریالیسم که همراه با سرکوب مبارزات انقلابی کارگران و سرکوب خونین مبارزات ملی و طبقاتی خلقهای کرد ، ترکمن ، عرب و . . . از بین بردن آزادبهای سیاسی ، تهاجم بد فاقه سازمانهای انقلابی و تعطیل و غیر قانونی اعلام کردن آنها ، شکل گیتی مجدد سازمانهای پلیسی ، شروع مجدد پیگرد های ساواک ، مآذنه و گشتایش در مآذنه ، شکجه و اندام انقلابی . . . بار دیگر به مبارزات ضد امپریالیستی - دیکراتیک تودو هارا دامن زد .

زحمتکشان که در ماههای اول بعد از قیام تصمیم میگردند هیئت حاکمه در مبارزه ضد امپریالیستی - دیکراتیک شان با آنها همراه است در عمل ، در جریان زندگی روزمره شان و در نتیجه اشکاکری سازمانهای هوادار طبقه کارگر تدریج با هایت هیئت حاکمه ، سیاسی میگردند . توده ها علیرغم اعتماد نسبی شان به روحانیت ، در راهی قدم برداشتند که منافع طبقاتی شان ایجاب میکرد ، و تمام تلاشهای ارتجاعی روحانیت جزا فتنای هر چه بیشتر ما هیئت نتیجه دیگری نداشت و مانع بازداشتن توده ها از مبارزه انقلابی شان نشدند . آنجا که مبارزه انقلابی توده ها هیچ بیشتری داشت ، آنجا که در رأس این مبارزات سازمانهای انقلابی هوادار طبقه کارگر قرار داشتند ، هر چه شناخت توده ها و شتاب بر برد نشان از هیئت حاکمه سرعت بیشتری گرفت .

تقویت موقعیت جناحهای لیبرال و انحصاری بهرروازی وابسته در حاکمیت سیاسی نه تنها موجب اوجگیری ، شدت یافتن و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی - دیکراتیک زحمتکشان گردید ، بلکه جناح مسلط هیئت حاکمه - روحانیت حاکم - را نیز که دارای تمایلات و گرایشات ضد امپریالیستی بوده و خواهان ترقض انحصاری قدرت سیاسی بود ، تحت فشار قرار داد . این وضعیت و بعضی تقویت شدن موقعیت جناحهای وابسته با امپریالیسم در ارتش و ادارات ، تضاد های اجتماعی را در همه جا رشدی تازه بخشید .

در این هیئت حاکمه نیز جدال بر سر کمیت قدرت بیشتره که از آغاز سرنگونی شاه بر روی کار آمدن دولت موقت بازگان مجید داشت شدت بیشتری گرفت .

ضعیت کلی و عمومی هیئت حاکمه در تمام زمینه ها خود را نشان میدهد در صفحه ۳

میداد. در این موقعیت لیبرالها با انگشت گذاشتن بر نارضایتی توده های زیرکبوی بظاهر آزاد یخواهانه ، در صدد اعمال فشار از بیرون برآمدند .

* * *

بعد از سرنگونی رژیم شاه ، لیبرالها در مراسم ادرات و نشست های آذربایجان شرقی (استان داری) قرار گرفتند . مقدم مرافعه ای که از جانب دولت بازرگان سمت استان آذربایجان شرقی گمارده شده بود ، از همان ابتدا ای برودش در جهت گسترش و تقویت موقعیت بورژوازی لیبرال حرکت کرد . او در تمام مدت در مسیر حرکت ضد انقلابی اش از حمایت آیت الله شریعتمداری و روحانیین نماینده ایشان در آذربایجان برخوردار بود . از همان آغاز روزگار آمدن مقدم مرافعه ای تلاش زیادی از جانب روحانیین هوادار آیت الله شریعتمداری صورت گرفت تا از استان ارجدید چهره ای مردم دوست و آزاد یخواه بسازند . روی کسار آمدن مقدم مرافعه ای از همان آغاز مخالفت های جناح آیت الله خمینی در تبریز بروز نمود . البته این مخالفت خوانیها و کار شکنی با سازش و معاشات همراه بوده است .

نیروهای هوادار آیت الله خمینی در حالیکه در درون مبارزه شدیدی با لیبرالها و از جمله نیروهای هوادار آیت الله شریعتمداری داشتند ، در تمام مواقعی که در مقابل حرکت انقلابی کارگران و زحمتکشان و نیروهای دیگر انقلابی قرار می گرفتند و در تمامی مواقعی که خود را در مقابل جنبش پروریه رشد کارگری و کمونیستی در منطقه میدیدند ، دست به دست هم داده و در جهت سرکوب آن مشترکا حرکت میکردند . (حمله به ستان) سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان - سهم زن - حملات کارگری آن ، حمله به تظاهرات پرشکوه کارگران در اول ماه مه ، حمله به تظاهرات ضد امیرالیستی خرداد ماه ، حمله به تظاهرات ضد امیرالیستی در آبان ماه .

در نتیجه انتخابات تکاندید ای مجلس خبرگان ، مقدم مرافعه ای با حمایت وسیع و همه جانبه آیت الله شریعتمداری و حزب جمع جمهوری اسلامی خلق مسلمان نمایندگی از استان آذربایجان شرقی بمجلس " خبرگان " رفت .

در جریان این انتخابات (که شاید در انقلاب با نسبی بازی و عوامفریبی در تاریخ تقلبهای انتخاباتی بی مانند باشد) که سازمانهای انقلابی از جمله سازمان ماست به تبلیغ و افشاکاری وسیعی علیه پیش نویس قانون اساسی و مجلس خبرگان زده بودند ، نیروهای سرکوبگر کمیته ها و چاند های سیاه ساجزات که توسط سرمایه داران و مرتجعین محلی تشکیل و سازمان داده شده بود ، به وحشیانه ترین و کثیف ترین شیوه های ساواک مآبانه به شکنجه و دستگیری مبادرت کردند تا مانع اقدامات انقلابی آنان گردند . از تمامی این اقدامات کمیته های وابسته به آیت الله خمینی و شریعتمداری ، سرمایه داران وابسته و امیرالیستهای جهانخواهر بهره برداری کردند تا موقعیت خود را مستحکم نمایند .

نتیجه اینگونه اقدامات ضد خلقی آن شد که دشمنان قسم خورده خلق همچون مقدم مرافعه ای ها (که امروزه درک جاسوسی اش از مسفارت آمریکا بدست دانشجویان پیرو خط امام در آمده است) از مقصود

استان داری مقام نمایندگی در مجلس خبرگان ارتقا یابد . یعنی جاسوس آمریکارا آقایان روانه مجلس خبرگان کردند تا برای مردم زحمتکش ما " قانون اساسی " تدوین کنند !

شرکت عناصری چون مقدم مرافعه ای در مجلس خبرگان و همدستی سایر نمایندگان سازشکار و مرتجع ، منجر به تدوین قانون اساسی ای شد که بر علیه منافع کارگران ، دهقانان و زحمتکشان ، بر علیه حقوق ملی و طبقاتی خلقها و علیه آزاد یهای دگر اندیک و علیه حقوق واقعی زنان - زحمتکش میهن ماست .

با تصویب قانون اساسی و تصویب اصل ، ولایت فقیه ، لیبرالها که در آن مقطع در هیئت حاکمه نفوذ چشمگیری داشتند سهم خود را در حاکمیت سیاسی آیند ، ناچیز یافتند و از آنجا که از نظر اقتصادی نیز نمیتوانستند با سیاست " مالکیت مشروط و محدود " که خرده بورژوازی و جناحی از روحانیت حاکم از آن دفاع میکردند موافق باشند ، بمخالفت خوانی با قانون اساسی برخاستند و هر چه آشکارتر مدام " قانون اساسی را مورد حمله قرار دادند .

در این زمان ملاقات بازرگان ، چمران ، یزدی با پروینسکی که با هدف تقویت و تحکیم موقعیت امیرالیسم و سرمایه داری وابسته صورت گرفت ، تضاد درونی هیئت حاکمه را به اوج خود رساند و روحانیت حاکم با عیار نفوذ توده ای این بر ارضی توانست دولت بازرگان را ساقط کند . اما از آنجا که خرده بورژوازی حاکم نمخواهد سیستم سرمایه داری را در هم بشکند و از طرف دیگر نمیتواند سیستم سرمایه داری وابسته را به تنهایی بچرخاند ، محتاج بیکدیگر شدن گرفتن بورژوازی است . این امر منجر آن میشود که موقعیت بورژوازی تقویت شود و عناصری همچون بازرگان موقعیت خود را در رهنمادی دیگران گنهای قدرت (شورای انقلاب) حفظ کند . و عملاً این خرده بورژوازیست که بدنبال بورژوازی حرکت خواهد کرد .

لیبرالها که موقعیت خود را در خطر می بینند برای کسب قدرت بیشتر به تکیا می افتند .

آنها با سوءاستفاده از نارضایتی توده ها و با بخدمت گرفتن نفوذ آیت الله شریعتمداری در آذربایجان و حوادث تبریز برای وارد آوردن فشار از بیرون " سازمان میدهند .

بدنبال شدت یافتن جریانات تبریز ، بازرگان این کمیته سرمایه دار زبون بازاری سیاست و این لیبرال مزبور که در تداوم اعمال ضد انقلابی اش کنار پروینسکی سر میز آورد ، این مؤمن دواتشه که اعضای کابینه اش را عمدتاً " ما " موان سیاست تشکیل میدهند بر پرده تلویزیون ظاهر نمشد . بازرگان بانیست نجات لیبرالها سعی کرد که حوادث تبریز را کمونیستها نسبت دهند و چنین وانمود کرد که گردانندگان توطئه از " کشورهای همسایه " آمده و " هتلها و مسافرخانه ها " را اشغال کرده اند . روزنامه جمهوری اسلامی ، ارگان ارتجاع وابسته با امیرالیسم نیز تمام تلاش خود را همچون تمامی موارد برای گذاشتن تابا ارائه تصویر و از گونه ای حوادث تبریز ، توده ها را به اشتباه و سردرگمی بیانند از و با بیان کشیدن یای سازمانهای انقلابی ، نقش امیرالیسم و اعمال آنها در این جریانات پوشیده نگاهدارد .

پس از اشغال رادیو تلویزیون ، استان داری ، و بانک ملی بقیه در صفحه ۴

توسط مردم تبریز که بارهبری سازمان یافته حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان و کمیته های طرفدار آیت الله شریعتی صورت گرفتند، جناح طرفدار آیت الله خمینی به تکاپو افتاد تا مرکز قدرت را باز پس ستاند. هواداران آیت الله خمینی با تاکید بر ضرورت وحدت در مبارزه علیه امپریالیسم و باحاطه به سرمایه داران وابسته و با اقتضای گری در مورد عناصر بی چین و بی سرافرازی و با ارسال پیامها و قطعنامه هایی که خواستار انحلال حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان بود، با سخنرانیها آیت الله خمینی که بدین زمان که آیت الله شریعتی در راه سدق قرار داده بود، با برگزاری میتینگها و تظاهرات در سراسر ایران شروع به تهاجم تبلیغاتی و سیاسی کردند.

آیت الله شریعتی در این زمینه فشار زیادی قرار گرفته بود و در حالیکه بدینا هزاران خود سلب مسئولیت میکرد و در عمل يك گام به عقب نشست و همراه با آن حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان اعلام کرد که: "تا اینجا شرایط مساعد و فائز خود را در کلیه نقاط ایران موقتا تعطیل کرده و از هرگز به فعالیت حزبی خود در این مینا میهم" (از اطلاعات حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان - کیهان یکشنبه ۲۵/۹/۵۸).

روحانیت حاکم و در حالیکه از یکطرف به تهاجم تبلیغاتی و سیاسی خود شدت داد تا لایبرالها را عقب راند و از طرف دیگر سعی کرد با چنان که در این سازمانهای "چینی" در این حوادث و باید پیش شرکت نمایند تا آن آیت الله شریعتی در این در حال مسائل آذربایجان صد پیش آید که از این به بعد در جریان امر با آیت الله شریعتی در صورت ششده سعی در جلب رضایت وی و لایبرالها نمود.

هیئت اعزای از جانب شورای انقلاب و اولین هیئتی بود که وارد تبریز شد. این هیئت از بد و ورودش با هدف "آرام سازی" و برده پوشی اختلاقی و فکری و بده گرفتن خواستههای اساسی مردم بعد از آن آمد و در طی اقامت چند روزه خود سعی کرد حوادث تبریز را که ضمن شهادت چندین نفر از کارگران و زحمتکشان کردید "سو تقاسم" جزئی و ناراضی از "راه سبز" نمایند و وانمود کنند. در طول اقامت هیئت اعزای شورای انقلاب و روحانیون هواداران آیت الله شریعتی در تبریز حکم آبادی با عواضی و عواضت و از نیروی بخشی از زحمتکشان راهبها می بزرگی برآوردند و اختلاقی و فکری و فشارهای وارد بر آیت الله شریعتی در تبریز کرده و برای بگری نشانند در طرفهایشان قدرت نمایی کنند. فسردهای آبروزنی و مدنی و نمایند و آیت الله خمینی بود که در مقابل حکم آبادی عرض اندام کند و او نیز تظاهراتی برآورد و اخت و سعی کرد با انگشت گداشتن بر روی احساسات مذموم مردم آنان را بحمايت از آیت الله خمینی بکشاند.

در طول مدت اقامت چند روزه هیئت اعزای شورای انقلاب در تبریز که عملا "باشکست" مواجه گردیده بود، (علت شکست هیئت اعزای شورای انقلاب عدم پذیرش و رسمیت شناختن آن از جانب جناح آیت الله شریعتی بود که در آن زمان هنوز به توافق با جناح آیت الله خمینی نرسیده به سر رسیده). تا صائینی در قم بین آیت الله خمینی و شریعتی از صورت گرفت و ضمن آن به توافقی رسیدند که نتیجه اعزام دو هیئت از جانب آنها گردید. این دو هیئت اعزای نیز از همان بد و ورودشان چنان نشان دادند که هیچ اختلافی بین مراجع تبریز و نیست. آنها در طی

جلسات گوناگون نشست و برخاسته و در اینجا و آنجا و با برگزاری مجالس عمومی مشترك همچون هیئت قلبی سعی در "آرام سازی" نمودند. در حاشیه فعالیتها هیئت و عناصر معلوم الحال همچون "فسروی" استاند اروپا "موسوی" رئیس دادگاه انقلاب اسلامی مذبحخانه سعی کردند سازمان ما و دیگر جریانهای انقلابی را صوب پیروز این حوادث معرفی کنند و ولی در شمار توده ها و موضوع دیگری به توضیح سازمان ماضی این رسوایان و آکه کمبرسکوب جنبش کارگری و کمونیستی مبین وابسته اند و باز کرده و بار دیگر در پیشگاه خلق افشا شدند.

چرا هیئتهای اعزای سعی داشتند و انمود کنند که جریانات تبریز "سو تقاسم" پیش نبوده؟ چرا معروف فعالیت آنها را "آرام سازی" تشکیل میداد؟ واقعیت این است که هر دو بی این جناحها اگر چه دارای مباح طبقاتی متفاوتی هستند و از دو منبع متفاوت حرکت میکنند و لکن هلیت در اربودن منافع مشترك در حفظ سیستم سرمایه داری و مقابله با جنبش کارگری و کمونیستی چاره کار را در سازش با هم دیگر می بینند.

جناح آیت الله خمینی برای اداره سیستم سرمایه داری وابسته ناچار است که لایبرالها را بخند متخورد بگیرد و ناچار است آنان را در اداره امور اقتصادی و سیاسی شرکت دهد. این جناح در این حال که خواهان حفظ قدرت انحصاری در حاکمیت است و آرماتش را "ولایت فقیه" تشکیل میدهد و عملا "مجبور بکنار آمدن لایبرالها است. علت دیگر وحدت در هدند و این جناح با لایبرالها ترس آن از صحت یا ناکس و کمترین مبارزه ضد امپریالیستی و رادیکالیزه شدن آن و همدست یا ناکس جنبش کارگری و کمونیستی است.

جناح لایبرالها نیز به تدریج تمایل شد بدشان یکسب قدرت بیشتر در حاکمیت و علیرغم توطئه های پنهان و آشکارشان برای تخریب مباحات سرمایه داری وابسته با امپریالیسم و وقتی خود را در مقابل هیچ اعتراض توده ها و نیروهای انقلابی و تهاجم وسیع سیاسی - تبلیغاتی جناح خرده بورژوازی حاکم می بینند. يك گام عقب نشسته و "تا اینجا شرایط مساعد و فائز خود را در کلیه نقاط ایران موقتا تعطیل میکنند.

آری و لایبرالها منتظر فرصت اند و منتظر ایجاد شرایط مساعد تا "دفاستر" خود را در "کلیه نقاط ایران" مجدداً باز کنند و حوادث تبریز هشدار است به همه انقلابیون راستین هواداران طبقه کارگر و همه نیروهای دموکرات و انقلابی. این حوادث نشان داد که چگونه سازشکاران و مترجمین و عمال امپریالیسم منتظرند تا بهر بهانه جنبش کمونیستی را هدف قرار داده و آنرا تضعیف و سرکوب نمایند. حوادث تبریز و حرکتهای مشابه آن در سراسر ایران در همین حال بیانگر وجود زمینه های بسیار مساعد حرکتی توده ای در راه کسب حقوق خویش است که در صورت اعمال رهبری و ولتاریسم و سرنگونی قطعی امپریالیسم و ایجاد داخلی آن - سرمایه داری وابسته - را به همراه خواهد داشت.

"ناپود باد توطئه های امپریالیسم و عمال داخلی اش!" هر چه گسره تر با مبارزات توده امپریالیستی - دموکراتیک توده ها و بهرین جنبش ضد امپریالیستی دموکراتیک زحمتکشان به رهبری طبقات کارگر!"

کمیونستها با کارگران میگردند، توتنها طبقه ای هستی که با مشکل شدن در حزب طبقه کارگر و اعمال رهبری خود در مبارزه قادر هستی خسود و دیگر زحمتکشان را از یوغ بندگی و جور و ستم طبقاتی و ملی رها سازی .

وقا نسون برابری و تساوی حقوق معنای واقعی آنرا تدوین کرده و سه مورد اجرا بکنند .
کمیونستها با کارگران میگردند . که کارگران روسید - ویتنام و
بر رهبری خود و یاری دیگر زحمتکشان چه قدرتی از خود بنمایش گذارندند . چه قدرتی را برزاند و رآوردند .

فلاصه یکی از وظایف همیشگی کمیونستها این است که بکارگران بگویند و نشان بدهند و آگاه سازند که آنها (کارگران) دارای چه قدرتی هستند .

آما سره آید در آن روزگاران و اعمال آنها بنا بر اهمیت طبقاتی خود درست برعکس کمیونستها بنا بر انواع حیلها و تخریفات و عوام فریبی ها دست میزنند تا نگذاردند کارگران بقدرت واقعی خود پی ببرند .

سرمایه در آن روزگاران و اعمال آنها وقتی در مقابل مبارزات کارگران مجبور عقب نشینی از مواضع قلبی خود میشوند سعی میکنند و انمود سازند که این عقب نشینی ناشی از فشار و مبارزات کارگران نبود بلکه ناشی از نبود سستی و انسداد و سستی آنهاست .

سرمایه در آن روزگاران و اعمال آنها وقتی در مقابل مبارزات کارگران مجبوره در آن امتیازی بکارگران میشوند طی بخشنامه و یا صورتیهای دیگر سعی میکنند و انمود سازند که آنها بخاطر کمسک بکارگران این امتیاز را بخشش و بطا میفرمایند . ولی واقعیت چیست ؟ واقعیت این است که سرمایه در آن در مقابل مبارزات آگاهانه و مشکل کارگران تسلیم میشوند .

البته شما کارگران در کارخانه خودتان شاهد چندین نمونه از این بخش نامه های بودید . مسلم بدانید تا دولت سرمایه در آن بسر مسند کار است شما شاهد نمونه های دیگری نیز از این نوع برخورد ها خواهید ببینید . با اکتون یک نمونه از این نوع برخورد ها که با کارگران مسازد و در شرکت نفت توسط همین فسر عامل سرمایه در آن در شرکت نفت انجام یافته است در اینجا میآوریم :

شماره ۱۷۱
تاریخ ۱۳۵۷
موضوع

مورد بحث دعوی قضایی در خصوص
و
۱-
۲-
۳-
۴-
۵-

این امر به موجب
تاریخ

وقتی مقدمه بخشنامه و بند ۱ یاد رفت خواننده شود دیده میشود همه آن تخریفات و عوام فریبی ها و حیلها های سرمایه در آن در اینجا چکیده آمدند است . معین فرمایند یکی هر چه تماشا میاری نکات چنان و انمود کرده اند اگر از جانب کارگران اصلا اقدام و مبارزه ای برای تعطیل روزه های پنجشنبه انجام نیافته فقط کارگران عاجزانه " مشکلات و دلایل خود را توسط " انجمنها و مجامع اسلامی شوراها و سندیکاها نمایندگانشان بشرف عرض آقای معین رساننده اند و ایشان " پس از بررسی همه جانبه دلایل و مشکلات " و " الطاف " و " کرامات " زور در مورد کارگران مرحمت فرموده اند :

۱- " با کمسب مجوز از شریک انقلاب جمهری اسلامی ایران روزهای پنجشنبه تعطیل خواهند بود . "

آقای معین فرموده این شورا انقلاب نیست که بکارگران اجازه میدهد تا روزه های پنجشنبه را تعطیل کنند بلکه این خود کارگران هستند که شوراها را بطور کلی سرمایه در آن راه جبر و بقرول این امتیاز بطور رسمی کرده اند . آنها (کارگران) قلا نیز بطور غیر رسمی اینکسار را انجام میدادند هیچ از شریک انقلاب و از شما هم اجازه نگرفته بودند و اگر شما این بخشنامه را نیز بنیدادید با آنها کانی السابو پنجشنبه ها را تعطیل میکردند . شما فقط با اینکارشان زورانه سعی میکنید تا کارگران بقدرت واقعی خود پی ببرند .

بند ۲- ادارات مرکزی شرکت جهت هماهنگی با سایر وزارتخانه و موسسات دولتی کماکان در روزه های پنجشنبه مشغول بکار خواهند بود . با کسی وقت در این بند میزان در بیانست دولت آنها ها که تیغش بریده توانسته است جلوت تعطیل پنجشنبه را را بگیرد . این بند کاملاً واضح نشان میدهد دولت در بعضی از ادارات و موسسات و کارخانجات موفق شده کارگران و کارمندان را از اداریت و بچین کارمندان اداره مرکزی شرکت نفت نیز در این مورد پیگیری بیشتری از خود نشان داده اند جز همان دسته هایی هستند که باید روزه های پنجشنبه کار کنند . این بند اگر با وقت و هوشیاری خواننده شود بلا حظه مگرد و دولت هیچ وقت عطیه و بخشش را که بنفع خودش نباشد بکسی نمیدهد . بلکه کارگران در نتیجه ارزات خود آن امتیاز از حلقوم کارفرما و دولت بیرون میکشند . ما متظوریم که اگر بنده ای از کارگران در جاهای مختلف . ساعت در هفته کار میکنند (بطور مثال در ۱۲- کارخانه از کارخانجات گیلان . ساعت کار در هفته از جانب کارگران بمرور اجرا گذاشته شده است) در صورتیکه در تعدادی ادارات و کارخانجات و موسسات دولتی و خصوصی هنوز ۸ ساعت کار در هفته و کار روز پنجشنبه برقرار است .

این بند مشت رسوایان را هر چه بیشتر باز کرده و واهمیت آنها را هرمان نشان میدهد . این بند بما میگوید دولت سرمایه در آن هیچوقت کاری بنفع کارگران انجام نمیدهند .
آنجا که کارگران در مبارزاتشان متحد و مشکل و آگاه هستند به بیشتر خواسته های نزدیک مدت خرید از جمله . ساعت کار در هفته رسیده اند .
آنجا که کارگران در مبارزاتشان پیگیر و متحد و آگاه نیستند بخواسته نزدیک مدت خود از جمله . ساعت کار در هفته نرسیده اند .

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴۰ ساعت تقییل پیدا کند

کشاورزان کورامالو تسلیم زورگویی فتودالها نشدند

دوین از فتودالهای منطقه منان بناهای عیسی و سلیمان - در آبانماه اسال باکمک و حمایت کمیته انقلاب اسلامی "کمیته" کشاورزان روستای کورامالو از فشار قرار داد نازمینهای آنان را بنصره خود درآوردند.

پاسد اران برای کمک به فتودالها به روستای کورامالو رفتند. آنان در مقابل مقاومت و ایستادگی دهقانان که حاضر به ترك زمینهای خود نبودند دست به نیراندازی هوایی زدند و با قنداقی بختگنده عده ای از اهالی روستا را ضروب و د و نفر را بییهوش میکنند.

سیس پاسد اران که طی ۹ ماه بعد از قیام حمایت خود را از مفسد غارتگرانه فتودالها و سرمایه داران به اثبات رسانیده اند چادرهای کشاورزان را ازجا کنده و آنها را با خود میبرند. کشاورزان این چادرها را برای حفظ زمینهایشان برپا کرده و همراه زن و فرزند خود در آنها زندگی میکردند.

روستائیان زحمتکش که بهیچوجه حاضر به تسلیم در مقابل اینس زورگوییها نبودند در حالیکه بر علیه رضوانی (رئیس کمیته اسلامی کورمی) شعار میدادند با زن و فرزند خود بطرف گرمی شروع به راهپیمائی کردند. روستائیان بعد از یک شبانه روز وارد گرمی شدند و در مقابل کمیته گرمی جمع شده علیه اعمال فتودالها پاسد اران دست باغتراف زدند و بالاخره در نتیجه اتحاد و یکپارچگی خود چادرها را از کمیته باز پس گرفته و بروستا برگشتند و بعد از ۱۰ چادرها را در زمینهای خود نصب نمودند. بدین ترتیب روستائیان نشان دادند که حاضر به تحمل زورگویی نیستند و در مقابل اعمال تجاوزگرانه فتودالها که با حمایت سلحشانه ما مومنین کمیته های انقلاب اسلامی صورت میگیرد دست به مقاومت زدند هرگز تسلیم آنها نخواهند شد.

گزارشی از شرکت ساختمانی و اسپا در بازرگان

بازرگان - کارگران شرکت ساختمانی و اسپا در بازرگان با تشکیل شورای اداره امور شرکت را بعهده گرفتند. این شرکت که مشغول ساختن يك مجتمع توریستی بود از ۵ ماه پیش توسط صاحب شرکت بنام مهذب س احمدی بازرگان تعطیل شده است و کارگران شرکت عملاً "بیکار شده اند".

کارگران با تشکیل يك شورای سه نفری مامنین آلات شرکت را به یلک معاطره نگارگریه داده و از محل درآمد آن حقوق خود را دریافت میکنند.

بند ۳ - بالاخره در این بند نمایندده دولت سرمایه داران بهیچ معین سر به شکست بزرگی تن داده در ضمن اینکه - مسکنت کار در هفته رارسماع اعلام کرده است ولی باز طوری وانمود نموده است که این امتیاز پیشکش و عطیه ای از جانب دولت و سرمایه داران بیکارگران بوده است.

بند های ۴ - ۵ - که در مورد زمان شروع کار و ایاب و ذهاب کارگران است چند ان مهم نیست.

در خانمه معین فسر ضمن اینکه مثل حزب توده و کارگران و کارمندان را با عنوان برادران و خواهران به همزیستی مسالمت آمیز با سرمایه داران دعوت کرده از آنها خواسته نظریات خود را بساز بصورت تذکره دلایل و مسایل مربوطه "بد فتراایشان ارسال نمایند تا پس از بررسی آنها اقداماتی که لازم باشد" (لا بد با بنصره عظیمه و بخشش ایشان بیکارگران مرحمت فرمایند)

دبیللمه های بیکار ما کو خواستار کار شدند

اخیراً دبیللمه های بیکار ما کو در محل مرمانداری تجمع کرده و - خواستار رسیدگی بخواسته های خود شدند. دانش آموزان دبیرستان پسرانه نیز منظوریشتیانی از آنان در اداره آموزش و پرورش جمع شدند.

تجمع دبیللمه های بیکار بدین مراجعات قبلی آنان بمقامات مسئول صورت گرفت. مسئولان ونده داده بودند آنان را بعنوان معلم روستا استخدام خواهند کرد ولی بعداً این تصمیم لغو شد. در این تجمع دبیللمه های بیکار خواسته های خود را بشرح زیر اعلام کردند:

- ۱- استخدام دبیللمه های بیکار.
- ۲- استخدام لیسانسیه های ما کو در آموزش و پرورش شهر ما کو.
- ۳- قبل از ملاحظه مرجع در رضایه گفته بود چون لیسانسیه های ما کو کمونیست هستند باید بشهرهای دور مست کردستان فرستاده شوند.
- ۴- اخراج رئیس آموزش و پرورش ما کو بدلیل اینکه در نحوه استخدام لیسانسیه های ما کو با ملاحظه مرجع همصد ابود.
- ۵- اخراج معلمین جدید که اجازه بحث سیاسی در مدرسه را نید هتند.
- ۶- استخدام معلمین بومی در دبیرستانهای ما کو.

در همین ما کارخانه ها و شرکت های فراوانی وجود دارد که با سرمایه های آمریکایی اداره و کنترل می شود. کارگران ایرانی در این شرکت ها برای یوساخص حسب سرمایه داران آمریکایی و شرکای ایرانی نشان نمود بهره کشی فراوانی کردند.
این یعنی حضور و فود امیرالاسم آمریکا در همین ما
کارگران و زحمتکش متحد شوید
و علیه امپریالیسم و سرمایه داری و استه میارزه کنید
سازمان پریمی فدایی خلق ایران

گواهی یاد خاطره شهدای ۲۱ آذر

قیام خلق آذربایجان در ۲۱ آذر سال ۴۱ که روز تشکیل حکومت ملی آذربایجان است و نمایانگر اراده شکست ناپذیر توده های میانگسرخواست آنها در گرفتن سرنوشت خویش بدست خودشان میباشد.

چرا خلق آذربایجان قیام کرد و چه عوایدی سبب شد که پس از یکسال یعنی در ۲۱ آذر سال ۳۲ ه قیام باشد؟ ما چه شد و ارتجاع وابسته با امپریالیزم و دولت دست نشانده حاکم گشت؟

خلق آذربایجان به همراه خلقهای سراسر ایران که از زمان زنجبخت مشروطه به راهی در راهی ازین استوار و ساطع امپریالیزم اندکیس مبارزه میکرد و به علت عدم تحقق خواسته های آنان و عدم رهائی از بند ظارتگران و نیل آزادی و مکر اس هیجنان کبره انقلاب را از کم رنگ داشته بود. اما امپریالیزم تازه نفس آمریکا جهت بسط منطقه قدرت و تسلط جغیعی خویش در سراسر جهان به نواست چندانهای قدرت و استسارت خویش بر این زمین مازود آورد و اندکیس این عارتا بید و فرسوده را وادار به عقب نشینی کند و خود جای آنرا بگیرد. توده های ستم کشیده ایران زیر بار کربسنگی و شتر و فاقه کمر شکن اقدامی قرار داشتند و عدم توسط ارتش ضد خلقی سرکوب میشدند. خلق آذربایجان نفرت شدیدی از ارتجاع حاکم داشته اند. هرگونه ضد ای آزادیخواهی و حق طلبی در گلو خفیه میشد. در این زمان بود که زمینه حرکت مردم و شروع قیام فراهم میشود و خلق آذربایجان جهت رهائی از یوغ امپریالیزم و ارتجاع بکنه به مبارزه فرقه د مکر ات رهبری را بدست میگردد اما از آنجا که رهبران فرقه بدلیل ماهیت طبقاتی خود درک درستی از مسئله خلقها نداشتند و نمیتوانند مبارزات قهرمانانه خلق آذربایجان را در جهت صحیح و اصولی هدایت کنند. قیام توده ها و جنبش ضد امپریالیستی و رهائی بخش خلق آذربایجان را به پیاده میکنند.

در شرایط کنونی میهن مان که جنبش خلقها هر روز اوج بیشتری میگردد مطالبه د قبی غلط شکست قیام تاریخی آذربایجان میتواند کک موشری برای مارکسیست - لنینیست های باشد تا با درس آموزی از آن و جنبش کنونی خلقها را در جهت اصولی هدایت کنند. قیام تاریخی خلق آذربایجان و شکست آن بعد از یکسال به نشان داد که:

- ۱- در حالک تحت سلطه امپریالیزم و پیروزی انقلابات د مکر اتشک توده ای تنها و تنها با تکیه و تکیه بر رهبری طبقه کارگر و ستاد رزمنده پرولتاریا یعنی حزب کمونیست امکان پذیر میباشد. و حال آنکه فرقه د مکر ات تنها مسئله ملی را پیش کشید و صالح آذربایجان را از سایر خلقهای ایران جدا نمود و بنا به صوابدید سران فرقه و صالح آنانان شعارهایی را مطرح نمود که نتوانست بطور ریشه ای بحل مسائل جنبشست بهر د از و تده اوم آنرا قضا من نماید. البته خیانت رهبران تسلیم طلب حزب توده را نیز در این مورد نباید قضا منی فراموش کنیم که با وجود اینکه در سراسر میهن نفوذ داشت و خود را حزب " توده " میدانست از مبارزات خلقکنار کشید و صالح و منافع حیاتی توده های میهن را مخصوصا آذربایجان را فدای کرسی نشینی خود و معاملات سیاسی باد دولت مرکزی وقت نمود.
- ۲- در حالک تحت ستم و کثیر الداء حل مسئله ملی جدا از مسئله طبقاتی نیست و صالح یک خلق رهائی اونیز در گرو رهائی میهن و وطن ناچمه

آنست. رهبر پرولتاریای جهان در این مورد صریحا اظهار دیدار کرد: " اگر برانداختن ستمگری ملی در یک جامعه مشروطه داری امکان پذیر باشد، این فقط هنگامی است که در کشور نظام جمهوری د مکر اتیستک پیگیری حکم فرما باشد که برابری تام و تمام حقوق کلیه ملل و نیا تهی سارا تا همین نماند ". و حال آنکه فرقه د مکر ات که در نتیجه قیام شکوه طسد خلق آذربایجان بقدرت خزید چنین میگردد:

" فرقه د مکر ات ای است ملی ولد ایدون در نظر گرفتن طبقات و معصوم جماعت را بریزد و بهر چه خود فرامیخواند (آذربایجان شماره ۱ میرمه ۱۴/۱۶/۱۳۲۴ - سر مقاله " فرقه میزانشه باشلادی " راه ما کاه لا " درست روشن است. مادر فکر مبارزه طبقاتی نیستیم. فرقه ما به تمام معنی فرقه ای است ملی ". (آذربایجان شماره ۵ مورخه ۲۶/۱/۲۴) فرقه با عمده کردن مسئله ملی و زبان و فرهنگ آذربایجان عملا " منافع خلق آذربایجان را از یاد برد و صالح خلقهای ایران را فدای مسئله زبان و فرهنگ آذربایجان نمود. فرقه مسئله عمده یعنی مبارزه طبقاتی و رهائی بخش خلقهای سراسر ایران توجه نمود و تنها به تسلیم طلبانه و خائنانه خویش نتوانست قیام خلق آذربایجان را بعنوان گامی در راه رهائی خلقهای سراسر ایران به پیش براند. فرقه در سر مقاله " ارکان خود ضمن د مبارزه طبقاتی چنین بیان میکند:

" کارگران و کار فرمایان دست بدست هم دهند . . . ". (آذربایجان شماره ۱ مورخه ۱۴/۱۶/۱۳۲۴ " کارگر کار فرما ")

و نتیجه همه جودت بهری همان شد که ارتجاع حاکم با وسیله چینی و توطئه برد از این مکر ات هجوم و خشیا نه خود را به آذربایجان فراهم نمود. سران فرقه کعدرکی صحیح از مسائل جامعه و ساختار اقتصادی اجتماعی آنند داشتند و سازمان باد دولت و عقب نشینی برد اختنسد و توده های بیبا خاسته میهن را در شرایطی که نیاز به تهاجم نظامی و مقابله با هجوم ارتش و ژاندارمها و . . . بود بحق نشینی فرا خواندند. فدائیان و این رزمندگان ژنده پوش با بهره آذربایجان و مدیریت دست و عقب نشینی فرقه و قهرمانانه در سراسر نقاط آذربایجان با سرکدگران جنگیدند و لاوری خلق را در برابر ارتجاع و عهد شکنان خائن و سازشکاران ایورتونیست و امپریالیزم خونخوار وارد بگره اشکات رساندند. تاریخ نام سربسته سازمان و مردان قهرمان این خطه را که بی امان با ارتجاع مبارزه نمودند فراموش نخواهد کرد.

امروز درس آموزی از قیام ۲۱ آذر سال ۴۱ و شکست آن در ۲۱ آذر - سال ۴۲ برای خلقهای سراسر ایران بسیار ضروری است. امروز کسبه خلقهای سراسر میهن برای رهائی از قید استعمار سلطه امپریالیزم میروند و با تجربه آموزی از شکستهای گذشته به بیان تاریخی ز سراسر بایستی مد نظر قرار دهند: " ما باید در مبارزه علیه استبداد و طلبسه بهر روزی سراسر روسیه به مانند یک سازمان متحد و متمرکز جنگی عمل نمائیم. ما باید روی مجموعه پرولتاریای کشور، بدون تمایز زبان و ملیت و پرولتاریائی که برای حل مسائل عمومی شوریک و عملی و تاکتیکی و استراتژیکی بصورت وجود واحدی درآمده است، متکی باشیم. " (لنین مجموعه آثار - سگور جلد ۴ - صفحه ۳۴۲)

شاه این جلا د مزد و خلقهای ایران و سالگرد روز ۲۱ آذر سال

فسابود بساد قوطئسه سازشکاران و فرصت طلبان

۲۵ روزه در آن روزهای پر خفاست که ما را بمانند و به دست آوردیم که گوییم
 ضد خلقی و نیک در میان مردم که در روز ۲۵ ساله پیش پادشاه با مراسم
 پر خورشید به تاج و تختش بر روی تاج و تختش بر روی تاج و تختش بر روی تاج و تختش
 ارتش و ستادش و در میان راهی که از تهران به طرف تبریز می‌رفت در آن روزها
 می‌بودند و در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 و هزاران نفر را در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 از آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 می‌انگارد و اما نام و نامشروع آن را که در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 هزاران نفر را در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 انقلاب با آن نام در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 تمام آذربایجان و در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 که در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 صفتش و آن (رنگی از آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 بیرونی است) از طرفی "در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 سازمانهای واحد و پارتی و روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 سرمایه است و قدرت از آن جهت صحیح این سه در واقع انصراف از
 سازمانهای واحد و پارتی از شناخت و فهم طبقاتی است و نتیجه
 این عدم شناخت سرمایه و سازمان پادشاهان خلق منجر بسردن
 این روشهاست. انقلابی می‌شود که

" مردم با خلاقیت بزرگ و پرمهران است. این خلق همیشه پیوسته
 به مردم تبریز و آذربایجان و سایر نقاط ایران نه ارد... افکار نیست
 و از طرفی با فریاد دارد... (آذربایجان شماره ۱۲۳). بجز زردان
 جنایتکاران و کسانیکه بنام اخلاق مشهور میباشند و کلیه آنها صیقل
 بر آن خورده و از چهره نازند و بعضی وقتها در کرات آذربایجان
 یاد گرفته میشوند (آذربایجان شماره ۲۷ - کج یزید که بر) یعنی
 حضرات هرگز از فرقه با این بیانیه خود آب تطهیر مسزرمایند و از آن
 بزرگی که امیرالیهستهای خیرخواه و زود الهی خشنود ریخته و همگی آنان
 را از راه فرقه می‌گفتند تا نشسته های جنایتکارانه خود را معطل سازند.

۴ - اکنون که حرکت انقلابی خلقهای سراسر ایران متحد و یکپارچه
 علیه امیرالیهست جهانی بسرگردی آمریکا هر روز باخ تازه ای می‌گذرد
 سرمایه داران وابسته با امیرالیهست و ایادی آنها در داخل به توطئه ها
 و دسیسه های گوناگون متوسل میشوند تا مسیر مبارزات ضد امیرالیهستی
 توده ها را منحرف نمایند. با این توطئه ها را اشکال مختلف در گوشه
 و کنار میهن مان می بینیم. در کردستان ابتدا با پیش آوردن جنگ عملی
 و اکنون با تکی اندازی در دفعه اکرات جیت برقراری صلح عادلانه منفع
 زنده نگه داشتن

در ترکمن صحرا با تاجان و حقوقی روستائیان و خاک و زمین کشیدن
 خلقی قبرستان ترکمن که برای دفاع از حقوقی خود به خاکستند و اکنون با غضب
 زمینها از طرف ایادی و همبزرگان آنها... و سنگ اندازی در کنار
 شهرهای خلق ترکمن که بیایه مردم توانایی شوراها در کشتن و برداشتن
 محصول

در آذربایجان سرمایه داران امیرال که سهم خود را در حکومت کم

در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 است و از احساسات و ذهن آنان غیرش توده ها را در جهت مقاصد
 ضد خلقی خود به دست گرفته اند و حرکات غیر معمولی پیش آوردند.

در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 که نشان دهنده توطئه و سرکشی است و از آن روزها در آن روزها در آن روزها
 و توطئه های امیرالیهست و سرکشی در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 این امر را در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 داده است و در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 توده های آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 مخالف و بیرون ساختن آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 بیخشم و خشمگین در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 توده های آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 این در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 امیرالیهستی ای که در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 یزدیها و قلاب زاده ها و جرم آنها به قدری است... را در توطئه
 و اجرای توطئه های ضد انقلابی و ضد خلقی خود باز کرده است و به
 حتی با تاجکان و بازرگان و بزرگان... و از آن سرمایه تها از تاجکان
 عملاً با این جناح در سرکشی و خفا و توطئه های آن روزها در آن روزها در آن روزها
 گرایش خود را در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 و توطئه خواهان به تدریج بزرگ گرایش خود امیرالیهستی آن ظاهر دارد که
 فریاد های سازمانهای کمونیستی و توتنی را در هر روز از طبع وابسته گینا
 اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی با امیرالیهست و از من سرگردن
 نهاد های آن در داخل از جمله ارتش و ضد خلقی و حتی انجمنهای
 این سازمانها را در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 و حتی حقایق عنوان شده تبدیل این سازمانها را در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 کرد.

ما باریک بگرامیلام میرا در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها در آن روزها
 امیرالیهست و قلاب سلاخه آن باید پایگاه و از آن روزها در آن روزها در آن روزها
 وابسته را در هم کوبید و همزمان با مبارزات ضد امیرالیهستی با
 سرمایه داران لیبرال و احزاب وابسته با آنان که در واقع ایادی امیرالیهست
 در داخل هستند و مبارزه ای سخت و کوبنده را آغاز کنیم بر روی خیرخواه صحت
 لیبرالها با طرح شعارهای بظواهر آزاد و بیخبرانه و توطئه های لیبرال آزادی
 احزاب و آنچه آنها (که در حقیقت تا همین آزادی برای خارتگی بیستای
 امیرالیهست در داخل است) نه تا همین آزادیهای ده بزرگ است که برای
 توده های متکشد ایران) و خردوش کردن مردم و صرف خلقی و ضد خلقی
 تحت عنوان همه با هم برابرند چه سرمایه دار باشد چه کارگر و چه
 مالک باشد چه کشاورز و سرمایه داران طبقاتی و ضد امیرالیهستی
 خلقهای میهن مان را منحرف نموده و پایه های لیبرال اقتصادی -
 سیاسی امیرالیهست در ایران را تحکیم خواهند بخشید.

خلق قهرمان آذربایجان و خلقهای متحدید و سراسر ایران
 که طی تاریخ پر فراز و نشیب مبارزاتی خویش در راهی از طبق
 طبقه در صحنه و

گزارشی از شرکت سهامی فروش ایران

شرکت سهامی فروش ایران وابسته به وزارت بازرگانی با در اختیار داشتن ۸۰ هزار کارگرفتنده از جمله شرکتها است که در آن کارگران در شرایط سخت و نامناسب تحت اشتغال قرار گرفته اند.

این شرکت با وجود داری از تاسیس کارگاه کارگران را مجبور کرده در محل زندگی خیرش بنگار تالیاتی ببرد از آنجا که این امر بهترین هدف شرکت از عدم تاسیس کارگاه می باشد. از طرف دیگر کارگران را از مزایائی که کارگران کارگاهها و کارخانجات از آنها برخوردارند از قبیل حق بیمه حق ایاب و ذهاب اضافه کاری و... محروم می کند. مخاف برای اینکه صاحبان شرکت برای تاسیس کارگاه متحمل هیچگونه هزینه ای نخواهند شد. شرکت سهامی فروش با سوء استفاده از عدم آگاهی و عدم تشنگ کارگران با برداخت و ستور ناجیبی حاصل کار آنان را تصاحب می کند.

این شرکت در شهری ۱۵۰ کارگرفتنده را با دستمزدهای اندک اجیر کرده است. هرچند شرکت برای ظاهر سازی در شهر کارگاهی را بر کرده است ولی فقط ۱۳ کارگر در آن کاری کنند و بقیه کارگران بطور قراردادی در خانه های خود بکار مشغولند.

در این کارگاه کارگران با خنده تحت شرایط سخت و طاقت فرسای از جمله دستمزدهای اندک عدم برخورداری کارگران از ابتدائی ترین حقوق و مزایای عدم وجود شرایط بهداشتی مورد استتشار شدید قسار می گسترند.

کارگران این کارگاه حتی مشول قانون نیز نیستند و حقوق ناچیزی که سرمایه داران در این کارگاهها مجبور شده اند در قانون آن را بر حسب شناسند با سوء استفاده از عدم آگاهی و عدم تشنگ کارگران با خنده به آنان تعلق نگرفته است از جمله کارگران با خنده هنوز بیمه نشده اند و حق اولاد و مسکن با اضافه کاری و حق خواربار و... دریافت نمی کنند و هنوز روز مزد هستند.

در تحت چنین شرایطی کارگران برای بدست آوردن حقوق خود دست به مبارزه زده اند آنان بی برد ماند که تنها در این مبارزات یک بارچه و متشکل خرید می توانند سرمایه داران را وارد اره عقب نشینی کرده به خواسته های خود برسند.

اولین مبارزه کارگران بعد از قیام پرشکو بهمن ماه با پیروزی قرین بود و آنان موفق به دریافت ۳ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند. کف شرکت به علت تعطیلی قبل از قیام از برداخت آن سرمایه داری مبارزه موفقیت آمیز کارگران صاحبان شرکت سهامی فروش را نتواند از آنان هرچند مجبوره برداخت حقوق کارگران شدند اما از آنجا که بی به آگاهی کارگران برد و منافع خود را در خطر می بینند برای اینکه در راه مبارزات بعدی کارگران سد ایجاد نمایند و نفرا از کارگران را به انضمام اخلاص در کار و از طریق تنظیم صورتجلسه سرپا در روغ بطریقه کارگران مزبور توسط رئیس شرکت از کارگاه اخراج کردند. رئیس شرکت به شترمانه از سرمایه داری کارگران سوء استفاده کرد و صورتجلسه را با سوء توجه حضور و غیاب به امضای کارگران رساند.

کارگران اخراجی که بی به توجانه رئیس شرکت بودند و بودند در مقابل این عمل ضد کارگری سرسختانه مقاومت کردند و بالاخره شرکت مجبور شد و نفرا از آنان را با سرمایه داری برگرداند. ولی رئیس شرکت که باهازگشت نفرینم شدت مخالف بود و مجدداً صورتجلسه ای صحنی بر مخالفت کارگران با بازگشت فرد مزبور تنظیم کرد و با نفوذ کارگران آن را به اعضا آنان رساند. در حالیکه در تحقیقات شدت احساسی بازرسی استا نه از کارگران یکصد اخراستار بازگشت کارگران اخراجی شدند. بالاخره رئیس شرکت را اثر اتحاد و یکپارگی کارگران مجبور شده کارگزین برور بنگارخانه برگرداند.

هم اکنون کارگران خواسته های خرید و باطرح کرده و باطل مانده خراب ست را برای آن شده بماند و در این راه استا نه از جمله و سرمایه داری شده است. در صورت عدم رسیدگی به خواسته های کارگران و سرمایه داری آنان به مبارزه خود برای گرفتن حقوق خودشان ادامه خواهد داد.

بقیه گزارش بسیار خاطره...
 اسارت و بردگی صغای آزاد و درازتیک که بشده در صدر مبارزاتی خویش با صراحت صف خلق را ازین بدخالی تمیز می نماید و داد.

خلیق مبارزان آذربایجان و خاناتهای ایران اسم از بلوچ و گورد و ترکمن و عرب منافع بهم پیوسته وجود انشدنی دارند. کارگران بزرگ تشکشان شهر و روستا بزرگ و حسابی زجر دیده صین ماتنها با بزرگ صحیح ماهیت هیئت حاکمه و مستقل کردن صغوف واحد و اندلایی خود قادر به یکپارگی و زنده اند با دشمنان قسم خورد و خویش میباشند و تنها قدرت رزم پرورشان را راه سخن رهائی زحمتکشان است که کارنامه سیاه امپریالیسم و مزدوران او و مرتجعین و احزاب پرچم سفید را منهنز بر سر او وادند و تنها انکا به رهبری طبقه کارگر و ستاد رزنده او - حزب طراز نشین طبقه کارگر - و ارتش سرخ و نجبران است که پیروزی نهائی و نابودی امپریالیسم را تضمین خواهد کرد.

بار دیگر تعدادی از کارگران...
 چندین راننده تراکتور بجان خود را در تصادف از دست داده اند. در سال ۱۳۵۳ و ۲۷ نفر از کارگران شرکت ساختمانی کارا (کارگاه ساختمانی مغان) که سوار کمپرسی بودند در یک حادثه کشته و با زخمی شدند. اما تاکنون سرمایه داران و مقامات مسئول شرکتها در مقابل اشتراکات کارگران برای ناهمین سرورس رفت و آمد سکوت کرده اند. حقیقت اینست که سرمایه داران برای احتی از منافع خود دست نخواهند کشید. کارگران فقط با مبارزه پیگیر و متشکل خود خواهند توانست بحقوق خویش برسند.

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

مشارکت کارگران آسمه با حزب توده

طبقه کارگر نیرومند همین از سابقه مبارزاتی بس طولانی برخوردار است، در طول مبارزات چندین ساله خود، کارگران در جنبان ایران مدام پاییز و زمستانها مواجه شده و همچنان پرچم سرخ رزم خویش را در راه تازنگه داشته اند. دشمنان قسم خورده رنجبران نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان سرمایه داری مجدانه کشیده و میکوشند تا بلکه طریقی اسارت و کار مزدوری را برگردان این سازندگان اصلی جهان آزاد و دگرگون سازند تا از این رهگذر استثمار و بیچارگی رنجبران ادامه یابد و عسارت تنگین و غارتگرانه خویش را طریقی تر نمایند. و حال آنکه عصره صبرهایی کارگران و شکست و نابودی سرمایه داری از بزرگه و غارتگران این اطلالی است. پرولتاریای جهان تحت سلطه امپریالیسم ناپایستا، لایق کشیده و طفیلی امپریالیسم را از صحنه گیتی زدوده و صوغ سرمایه و سراطه الیکارشی مالی را درهم خواهد شکست.

دشمن آشتی ناپذیر کارگران جهان سرمایه داری و صاحبان اندامارات بانگی صنعتی است. کارگران با اختیار رنج و کوشش ناشسی از استثمار سرمایه داری از الوصف و مالکین خصوصی ابزار تولید و انبساط می شوند و از اینرو با اشکال مبارزاتی گو تاگین خویش علیه سرمایه داری برمی خیزند. کینه و نفرت پیمان ناپذیری بود آنها از خود بروز میدهند. طبقه کارگر جهان دشمن خطرناک دیگری نیز دارد که علی الظاهر خشن و راجعت و طرفدار او افکار میکند. این دشمن دوست نمای مبارزات کارگر جهان، اپورتونیستها و فرصت طلبان هستند. اینان با نام ناپایسته کارگر حزب طبقه کارگر و طرفدار طبقه کارگر بدترین ضریبا شراب بر یکدیگر آویزان میسازند. این فرصت طلبان که چهره خود را با نام حزب طبقه کارگر می پوشانند به نوکری سرمایه داری در آورده و میکوشند با جزایزه وهای و هوئی سیاسی کارگران را با سرمایه داری آشتی دهند. اینان چریها" این اصل مسلم مارکسیسم را زیر پا میگذارند که در عصر امپریالیسم هرگونه اپراژ نظر درباره اینکه سرمایه داری بود یا نه مسالمت آمیز بر اپراژ و اکثریت استثمارزدگان سر فرود آورند. درباره نگه ارسالمت آسز، که اپورتونیستی به سوسیالیسم نه فقط حد اکثر کودنی کور دلانه است بلکه فریب صریح کارگران و آرایش بودگی مزدوری سرمایه داری و باختنا حقیقت است" (نقل از لنین - سررماله ص ۱۲). آنان یعنی دشمنان طبقه کارگر که خود را به لباس دوست و مپس کرده اند، جنبه انقلابی آموزش دل را فراموش کرده و روح انقلابی آنرا صحت و تحریف میکنند. . . . در همین مآئینه تمام نمای اپورتونیسم بیکران، حزب توده هخامن با سابقه تنگین سی و چند ساله است. کارگران قهرمان و وطنمان با مطالعه آثار و روزنامه ها و اقسام نشریات این درودسته سازشکار مناظره ای با آنها دارند که بطور مختصر آورده میشود:

حزب توده خطاب به کارگران :

"انتصاب و تحصن تکید و شکل مبارزه تان را تغییر ندهید" (مردم - دوره هفتم - شماره ۱۹۹) تا کارگران قهرمان به فرصه طلبان حزب توده سازشکار:

ببخشید - این سیاست هیئت حاکمه ضد کارگری و چرواقه داری بزرگ ز الوصف و دشمنان و دستهای طبقه کارگر است که ابتدا اتی توپین سلاح مبارزاتی کارگران را از آنها سلب نماید و اثر فخر قانونی و هوام اعتماد کند تا بدینوسیله استثمار کارگران را بر حق و سرکوب آنها را در حقیقت انتصاب و لغتراض به فارتگری سرمایه داری مجاز شمارد. طول جسدان طبقه کارگر جهان حقانیت این شعار را برای ما اثبات نموده است. انتصاب و انتصاب مدرسه انقلاب:

حزب " کارگران به قانون اساسی کدونی را می شست و میدهد (مردم ارگان کمیته مرکزی - دوره هفتم شماره ۱۰۶ - شماره ۱۰۵) کارگران بیست و دو گانه :

" ما ضد اسارت و برگی خود را از شما نخواهیم کرد. ما متحد" این سند ضد کارگری را انشاء کرده و قوانین ارتجاعی این سند را که چین زنجیری بدست های کارگران و زحماتشان است مردود و بشماریم. تنها قانونی برای ما قس است که حامی منافع استثمارشوندگان باشد. در نتیجه ما علیه شان بیکران برپا میسازیم دست و دست ارتجاع. پیشاپیش آن میخواهید سلطه سرمایه را بر ما روا داشته و چاقی سرمایه را بر سر دارندانه بکویید، مبارزه میکنیم. حزب شما ما را شکست میدهد ای که بر چهره کزیه خود زده، هم است طبقه کارگر همین ما را با صی فریفته و به ناگجا آبا دی رهنمون سازد، ما را با سرمایه داری آشتی داده و مرتجعین را بر سر نوشت ما حاکم سازد. ما ضد" علیه دشمنان خود نمیرد نخواهیم کرد."

حزب " ضد انقلاب در خانه کارگر توطئه میکند (اتحاد سارگان کارگری) کارگسوران بیکار:

خانه کارگر که سالها بولا نگاه مزدوران رژیم مزدور سابق بود، بد نبال مبارزات قهرمانانه ما کارگران تسخیر و گشوده شد و به ما من کارگران و زحماتشان بدل گشت. ارتجاع حاکم بنا به اهمیت خویش از شد آگاهیهای رنجبران در هر اس افتاد و دستور حطه بخانه کارگر را صادر نمود. کارگران آگاه با اعتبار شناختی که از ماهیت و عطر حزب خائسن توده داشتند، و اتحاد حزب را با مقاطعه کاران سرمایه داری محینه میدیدند، با افشاگریهای خود باز از حزب را کساد کرده و از خانه خود آنها را بیرون راندند. لذت حزب توده با ارتجاع هم آواز شده و شیه سر دادند که گمانه کارگر ضد انقلاب رخنه کرده است. حزبی کسه مذبحخانه خود را طرازیون طبقه کارگر میداند و "انتصاب" این تنها شکل ابتدائی مبارزه کارگران جهان را طبقه کارگر هضم میکند، از اینکه کارگران را ضد انقلابی بنامد باکی ندارد. این همان حزب طرازیون است که در اعلامیه کمیته مرکزی آن (۵۸/۵/۹۹) بکارگسوران سراسر ایران توصیه میکند "در هر نقطه ای که آیت اله شیخ صادق خلغالی نامزد باشند، به ایشان را می دهید" یعنی کارگران به قائل خلقی کردند و به طراح قتل هم قانونا هر جرایمی داده و بینه در صفحه ۱۱

گفتار خلق کرد راتا... دکتید... کارگران ایران این
د مل چریکین یعنی دارودسته حزب توده را از یک خود خواهند زدود
د بیر گل حزب توده خائن

" دولت باید واقعا تغییر بنیادین بوجود آورد در وضع طبقه
کارگر... " (مصاحبه مطبوعاتی کیانوری با خبرنگاران د. حسنی
خارجی - ۱۶ مه ماه ۵۸)

کارگران زحمت کش
در کجای تاریخ و در کدام کشوری دیده شده است که سرمایه داران

بچاهیان مرتجع آنان و دیگر قشرین بدست خویش و اطلبانۀ تغییر
بنیادین در وضع طبقه کارگر بوجود بیاورند؟ شاید از کمات حزب
توده و از همه جزات رهبران سالخورده آن، این در پیجی بعید نباشد
حال آنکه کارگران و زحمتکشان ایران به تراز همه میدانند، خاکمستی
که انتصاب احرام میداند، تحمّن راضد انقلابی میشود، راهپیمائی
و اعتراض حق طلبانۀ راباگسبل نیروهای سرکوب و ترهیت باند های
سیاه پراکنده، میسازد، سرمایه داران بزرگ وام میدهد کارخانه ها
راه امار نگاه کارگران بدل میسازد، از ثروت الهای زمین خوار هاست
میکند و مبارزات دهانان رابکی پس از دیگری سرکوب میکند، پاداره
زمینهای اربابان توسط روستائیان بی زمین را عملی ضد انقلابی دانسته
بها اطلاق یارت " تصرف عدوانی " سرکوب آنها میرد از د و تحمّل
شیراهای کارگران و دهقانان را نمیکند، و شدید ترا از همه سر

زحمتکشان خلق کرد بهب میرزد و گولوه می فشاند... چگونه
میتواند تغییر بنیادین در وضع طبقه کارگر بوجود آورد؟ آقای د بیر گل
حزب ۱ زهی بشیر می - شاعلم طبقه کارگر و " حزب پرولتاریا " -
و آومان کارگران رابه لجن میکشید. شما با این کلاضان دشمنی خود را با
کونینیم اثبات کردید. شما منافعی حیاتی و دراز مدت طبقه کارگر و دیگر
زحمتکشان صیمن مارفدای صانع حزب خود کرده و در این برهنگ راز -
اطلاق ضد انقلاب به نیروهای راستین مدافع طبقه کارگر نیز احتراز
نمودید. شما بارت " انقلاب احتمالی " را کنار گذاشته و در منجلاب
اهور تنیم بیکران دست بیا میزدید. کار رابجائی رسانده اید که
شمارهای ضد کونینستی را تکرار میکنید و برای مرتجعین سینه زده
و نحوه سرائی راه می اندازید. تاریخ پرولتاریای صیمن ما د بیره سازود
شنت محکم بردهان شما میکشد و همچون اجدادتان " منشی کیمسا " -
شمار ایکسر به به منزله تاریخ روانه میسازد. عاقبت سازش و نباله روی
و خیانت جز این نخواهد بود.

حزب

" بر زحمتکشان ایران است که حزب خود را باری رسانند و در این
مکتب است که آنها درس بیکار و حق طلبی را می آموزند، این سازمان
است که سنگر آنهاست. این سازمان است که شیوه نیرو و مناقوس
بیدری و چراغ راهنمای آنهاست... وجود این حزب فاضلی
است برای آزادی افکار دیگر، برای جلوگیری از سلطه های انحصاری
برای جلوگیری از تقشیر ها و دیگر انسانها با خاطر معتقدات خود
(مردم - ارگان کمیته مرکزی - صفحه ۱ شماره ۶۰۶)

کارگران پیشرو:

مادرش بیکار و حق طلبی روزم حماسه آفرین خود را در گام یکسام
مبارزات طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران آموخته ایم و تجاربیت
مبارزات رها بیخش و... امیرالیستی کارگران و زحمتکشان جسم سان
و بیکارهای رزم جویانه و... ناید بیرونی و های راستین مدافع زحمتکشان
و اصول خدشه ناید بیرون. ران ساز مارکسیسم - لنینیسم همیشه و کتیب
انقلابی ما بوده است، نه خائزده ایها که اکنون در دمان ارتجاع بسا
خوش کرده و مبارزات کارگران، کارخانه ها، کارگران بیکسازد،

د بیلبسه... بیکار، دانش آوزان مبارز، خائسی
کرد و ترکمن و... درین کشور، و سیاست سازندگان و دانشات
طلبی و خائسانه خود مارا از کتیب... دوران سازنده جدا میکنید و استقلال
پرولتاریای ایران را میخواهید از صین بپیرید و مارابه تابعین تبدیل اوتجراج
و مومنین بی آزار شکرگزار... بدل سازید، رابا د اثر سگرافاعله
وجود دارد. " چراغی که شما افرازا، اگر گفته اید " و " ناتوس بیهیاری
و شیوه نیروی " را که انعام میکنید، دردست دارید. مارابه ترکسزان
مطیع سرمایه داران بدل میسازد و راه استعمار کارگران و غسبارت
سرمایه داران را روشنتر میسازد، جوان، شما انتصاب رابرای انحصار
و تحمّل کارگاه و اعتراض بکار فرمایان مزدور، عمل ضد انقلابی...
قلع اد میکنید. شما با تقویت آریستوکراسی کز بگری بزرگترین ضربه رابرس
بیکر مافرد می آورید. شما که جهت استعمار و " لیت حاکمستی

غسود حف... و حراست... نفعان حزبتان و دوام
عمروقتای عظمت کمیته مرکزی! معلوم الحائشان... مارا بکار و تولید و زحمت
بیشتر دعوت میکنید، در واقع بر استعمار ماضی، رگد اید و آنگاه بسا
بیشتری تمام در " ارگانهای " خود آزما میخواهید رایتان " خانه حزب " -
بسانیم (مردم شماره ۱۰۶ - ص ۳) ناراحت تر و ادست و دل بازتر
بتوانید جویان کنید و مبارزات طبقه کارگر و این طبقه، انقلابی و بایاسان
مبارز که پیش از واقعی راه د مکراسی و نابود کنند، تنظیم سیستم
سرمایه داری وابسته با میریالیسم و سنا کنند، ایران آزاد، د مکر اتیک
و حقوقی است... رابرای " توده ایها " جشن حماسه آورید.

مالکارگسزان پیشرو در رابطه با سخنان د بیره اول حزب
خائن و فرصت طلب توده (کیانوری) که وجود آزادی راه آورد و -
سوغات کمیته مرکزی میداند و صریحا " اصول مارکسیسم - لنینیسم
رائض کرده و در ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران به انحراف و قلب
واقصیت متوسل میشود، با نظی از آموزگاران پرولتاریا پاسخ میکشیم
باشد که این فرصت طلبان سالخورده و فرعونت بخود آهند.

" در رژیم سرمایه داری، د مکراسی مخصوص سرمایه داران
است. یک د مکراسی است که بر پایه تجدید حقوقی اکثریت استعمار -
شونده استوار است و بر علیه این اکثریت سوود انده میشود. " -
" در رژیم سرمایه داری، شرکت حقیقی توده های استعمار شده
در اداره امور کشور وجود خارجی ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد -
زیرا حداقل در رژیم سرمایه داری، در د مکر اتیک ترین مقررات خستم
د دولت جنبه ملی نخواهد داشت و بلکه مظهر اداره و تشکیل ها و...
مورگانها خواهد بود. "

بقیه در صفحه ۱۲

صلیح و دیکسواتیک در کودکان باید به نفع زحمتکشان ایران بوقر او شود

هیأت حاکمه و شورای خانوای هفتان

از جندی پیشروای خانها با حمایت هیأت حاکمه سازماندهی هفتی (که در سرکوب خونین زحمتکشان متکین شهر نفتس یسزائی داشت) در منطقه مغان تشکیل شده است.

اعضای این شورا را خانهای محل تشکیل میدهند به زودی رئیس شورا که آخوند است.

شورای مزبور از همان آغاز با اتخاذ مواضع عدلخواهانه و اجتماعی و حمایت خود را آشکار ساخته شورای مغان در اختلافات بین دهقانان و قوای آنها بر مریضیهای تقسیم شده بر عهده دهقانان رای داد و وضع زمینهای دهقانان توسط قوای آنها را تایید کرد.

قوای آنها برای جلب رضایت و حمایت شورا رشوههای کلان به اعضای آن از جمله صدیقی و هفتی دادند این شورا که از همان ابتدا مورد حمایت دولت قرار گرفت و اعضای آن بوسیله دولت مسلح شدند کنترول منطقه را بر عهده گرفت.

هیأت حاکمه در اداره منطقه اختیارات وسیعی بشما محول نمود همه اینها خشم و نفرت دهقانان را برانگیخت و حرکات اعتراضی و مبارزاتی را برانگیخت.

این شورا هر روز اوج گیری بیشتری گرفت این اعتراضات به سرعت به دولت گردید. دولت از بیم گسترش دامنه اعتراضات شورا را متدخل تعیین یکی از اعضای فعال این شورا پاشائی قوای آل مظفر منطقه است. این شخص زمانیکه قهید بازرسی منطقه محمد دستگیری ویرا دارد تبعید نمود که در صورت اقدام باز پرس دست به مقاومت مسلحانه خواهد زد.

مسئله دستگیری پاشائی را حسین آقاخان و سیابخان قوای آنها بی ارسباران که هم اکنون در ریاضت بسر میروند به وجه خیر دادند.

قوای آنها مزبور در روزهای جنبش در سیبجان و استان فو-الاندر شرکت داشتند و بعد از قیام نیز به مزارع دهقانان حمله کردند و زمینهای آنان را تصاحب کردند.

همچنین سابقه همکاری آنها با سواران و سواران رژیم سرنگون شده برده روشن است. همچنین جهت بازپرس و بازداشت به میزان نفرت و خشم مردم مغان از احوال این قوای در این منطقه بود آنان را دستگیر نمود. ایادی قوای آنها مزدور رسمی کردند آنان را از زندان فراری بدادند. و تاکنون نقشه آنان بین نتیجه مانده است.

حکومت ای سرماهی ۵۵ آری زه میوه خواهند . . .

نیروهای انقلاب باید فعالانه در حرکت انقلابی مردمهای زحمتکش شرکت نمایند. از طریق تشکیل کمیته محلی مبارزه آنان را متشکل سازند و در مورد دخالت ها و احوال هیأت حاکمه دست یابند یا شاکری زده و یا تکیه بر نمونه های روشن راهی از رژیم و ماهیت ضد خلقی آن را بشورای توده ها توضیح بدهند.

مارکسیست - لنینیستها باید هم در هر لحظه متکلمان در مبارزات آنها شرکت کرده در ارتقاء سطح مبارزاتی آنان بکوشند. انتشار اعلامیه ها و توضیح و تبیین در باره حرکات زحمتکشان گام مهمی در این جهت می باشد.

مناقشه را که در این روزها در آذربایجان برای استعمار شوندگان وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد زیرا احد اقل "اماکن سکونتی" و "بناهای دولتی" و "انبارها" که در اختیار آنهاست و "از آزادی" ضرورت دارد. در دوره استعارات مخصوص استعمار کنندگان است "لنین"

مناقشه را که در آذربایجان امروز بر کوه و دریا "لنین" خاسته میدهم و هر چند که شورش مغان را در این حوضه نمیتوان نباید:

توسعه و توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید.

توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید.

توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید.

توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید. توسعه مغان را در این حوضه نمیتوان نباید.

کارگاه این کارخانه آجر پزی پارس کنترل

کارخانه و با بستی گرفتند

کارگاه این کارخانه آجر پزی پارس که بدنیال تحقق نیافتن خواستههای شان کنترول کارخانه را بدست گرفته بودند مهندس خرازی صاحب کارخانه را از آنجا بیرون کردند. مهندس خرازی به استناد آیت اله مدنی شکایت میکند. پس از چند روز از طرف استناد آیت اله مدنی مهندس مدنی را بعنوان سرپرست کارخانه انتخاب میکنند. مدنی بعد از چند روز به پاره گرفتاریهای پیش از حد دوباره خرازی را بکارخانه آورده و بدکارگران میگردد. این شخص جانشین من است و به مشکلات شما رسیدگی خواهد کرد. بدنیال این جریان کارگران مجدداً روز شنبه ۵۸/۹/۵ بعنوان اعتراض به بازگشتن خرازی دست از کار کشیدند. کارگران شکایتی علیه خرازی به اداره کار کرده اند و تا روز شنبه ۵۸/۹/۱۱ که روز رسیدگی به شکایات آنها بود به اعتصاب خود ادامه دادند.

تصحیح اشتباه گزارش متوسط به آجر پزی پارس تبریز (در شماره ۹ راه سرخ) در گزارش مزبور آمده که "صاحب کارخانه مهندس خرازی" ۱ هزار تومان نگرفته بود. رفتهای کارگاه تذکر داده اند که در آذرماه این شخص ۲-۱ هزار تومان است. ۱ هزار تومان بدینوسیله اشتباه خود را تصحیح میکنند.

تصحیح اشتباه گزارش متوسط به آجر پزی پارس تبریز (در شماره ۹ راه سرخ) در گزارش مزبور آمده که "صاحب کارخانه مهندس خرازی" ۱ هزار تومان نگرفته بود. رفتهای کارگاه تذکر داده اند که در آذرماه این شخص ۲-۱ هزار تومان است. ۱ هزار تومان بدینوسیله اشتباه خود را تصحیح میکنند.

حکومت‌های سرمایه‌داری نه میخواهند و نه میتوانند
مسکن زحمتکشان را تأمین نمایند .

هم اکنون شاهد اوج گیری مبارزه کارگران و زحمتکشان میهنان جهت
برآوردن یکی از نیازهای اجتماعی خود در گوشه و کنار کشورمان هستیم .
آنان که انتظار داشتند بعد از قیام پرشکوه خود تمام مشکلاتشان از جمله
مشکل مسکن برای همیشه حل شود ، از آنجاکه نه ماه پس از قیام خونین
مردم ، هیئت حاکمه نه خواست و نه میتواند مسکن زحمتکشان را تأمین
نماید در بیشتر مناطق کشور کارگران و زحمتکشان را سه اقدام به
- ا- در زمینها و ساخته‌های سرمایه داران بزرگ و تقسیم آنها به
خود نمودند .

رژیم پهلوی که حافظ منافع امپریالیستها و در رأس آن امپریالیزم
آمریکاداران بود ، بمنظور تأمین منافع هرچه بیشتر سرمایه داران
و اربابان امپریالیستش بر شدت استثمار و بهره کشی از کارگران و دهقانان
و زحمتکشان میهنان افزوده ، منابع کشور را مورد غارت و چپاول قرار داد .
سرمایه های امپریالیستی در تمامی رشته های اقتصادی بکار افتادند تا
سود های با آرد و رابه جیب زده بر تراکم سرمایه شان بیافزایند .
از جمله که گسترش صنایع ساختمانی در زمان رژیم شفرگن شده سود های
سرشاری عاید زمینخواران بزرگ و دلالان وسایل ساختمانی ، بسازو
بفروشها نمود . زمینخواری در روس با زیر پروری زمین رواج یافت و قیمت
زمینها را بطور سرسام آوری بالا برد و اینهمه در زمانی بود که کارگران
و زحمتکشان میهنان زیر فشار شدید بی مسکنی و گرانی اجاره بها مسکن
قرار داشتند . آپارتمانهای متعدد در شهر تهران و سایر شهرهای

بزرگ میهنان سریشک میکنند ، کاخهای مجلل با هزینه های سرسام
آور ساخته میشد ، در بخش دولتی هر روز به تعداد ساختمانهای بزرگ
برای استفاده های جزئی و حساب بودجه عمومی کشور (از قبیل
زحمتکشان) افزوده میشد ، در حالیکه در همان زمان میلیونها تن از
کارگران و زحمتکشان میهنان در خانه ها و خانه های مخروبه بسر میبردند
و در یک خانه تنگ با هم آنقدر هم می لولیدند ، بی مسکنی درد مشترک
تمامی رنجبران ایران بود . از جمله در تهران نیز صنعت افزایش سرسام آور
جمعیت و هجوم روستائیان به شهر مسئله مسکن به حاد ترین شکل خود
برای زحمتکشان مطرح بود رژیم پهلوی با پیش کشیدن طرح
" محدود و " و " خارج از محدود " که اراضی با بهره ایمن زمینداران
و سرمایه داران بزرگ زیر این طرح قرار داد ، و کارهای ساختمانی را در
اراضی خارج از محدود و ممنوع اعلام کرد ، این امکان را هم از کارگران و
زحمتکشان گرفت که خود در تنگه زمینی ، خانه گلی بسازند و در آن پناه
بگیرند . در چنین شرایط سخت و طاقت فرسا بود که اعتراضات
زحمتکشان اوج گرفت . آنان که از شدت مسکن به تنگ آمده بودند
شجاعانه پاری قوانین رژیم نهاد و سخانه سازی در اراضی خارج از
محدوده برداشتند . زمینداران که منافع خود را در خطر میدیدند
ارگانهای سرکوب رژیم را بکف گرفتند و در روشی مردم با رژیم کم کم از
شکوائیه نوشتن به مقامات مملکت به درگیری مستقیم با ما " همین شهر داری
و اعتراضات دستجمعی در جلوسهر داری تبدیل شد و زمانیکه ارگانهای
انتظامی وارد میدان شدند ، مردم زحمتکش قاطعانه در برابر آنها

ایستادگی کرده و با آنها درگیر میشدند . در این درگیریها چندین نفر ساز
زحمتکشان شهید شدند . هر خانه ای که بدستور شهرداری ویران میشد
شبانه بکف اهالی محل محدود را " دیوار آن بالا میرفت . مردم محتمل
خسارات مالی و جانی زیادی شدند ، ولی غیر از مقاومت و ایستادن بر روی
همان زمینها چاره ای نداشتند . آنها به تجربه دریافته بودند که رژیم
جنایتکار پهلوی هیچگاه در فکر راه آنان نبود و حاضر نیست یک ذره از
منافع خود چشم پوشی کند . جنبش و مقاومت زحمتکشان در " خارج از
محدوده " که سر آغاز حرکت توده ای علیه رژیم وابسته به امپریالیزم بوده
در تداوم و اوج گیری خود با جنبش توده های میلیونی ایران پیوند خیرید
و با آن هجین گشت .

کارگران و زحمتکشان ایران که تحت ظلم و استثمار شدید سرمایه داران
بزرگ رژیم وابسته به امپریالیزم شاه قرار داشتند دیگر حاضر نبودند آن
وضع را تحمل کنند و باید رسیدن به بهر روزی و روزه ، قاطعانه به انقلاب
پیوستند . آنان شجاعانه قیام پرشکوه بهمن ماه را بوجود آوردند و رژیم
جنایتکار را سرنگ کردند و باید تحقیق خواستهای بنیادیشان که بخاطر
آنها در انقلاب شرکت کرده بودند ، به انتظار بر آوردن خواستهای
خود توسط هیئت حاکمه نشستند (رهبری جنبش قبل از رسیدن
به قدرت بوده انجام آنها را داده بود) اما ۹ ماه پس از قیام زحمتکشان
میهنان هنوز با مشکل مسکن که یکی از خواستهای اساسی آنهاست دست
بگریبان هستند ، هنوز همان میلیونها انسان زحمتکش در خانه هسا
و خانه های گلی و در اتاقهای نمربالاجاره بهای گران زندگی میکنند و هنوز
تعداد کثیری آپارتمانهای سریشک کشیده در اختیار سرمایه داران
قرار دارد .

هیئت حاکمه برای حل مسئله مسکن بنا به سیس بنیاد مسکن اقدام
کرده است . این بنیاد گاه گاه اری دعوی بزرگتری راه میاند از دستگولین
مختلف را مهم میکند که در سر راه سنگ اندازی میکنند ولی علیه مردم
سروردهای زیاد و طرحهای بظا هر خیر خواهانه اش از قبیل باز خرید
خانه ها و زمینهای مازاد بر احتیاج از مالکین آنها و فروش اقساطی آن به
مستضعفین و تاکنون اقدام مثبتی در جهت حل مشکل مسکن بعمل نیاورد
است . در چنین شرایطی ما در گوشه و کنار کشور شاهد اقدامات مستقل
زحمتکشان در صدد راه زمینهای زمینداران بزرگ هستیم . در طی ماههای
اخیر در تبریز زحمتکشان بطور دسته جمعی در نقاط مختلف اقدام به
صادره زمینها و تقسیم آنها نموده و با ساخته‌های خالی سرمایه داران
بزرگ و یاد دولتی را تصرف در آورده اند . زحمتکشان انتظار داشتند بعد
از انقلاب ، هیئت حاکمه مشکل مسکن را بشیوه ای قاطع و انقلابی حل
نماید و اساساً تضادی بین اقدام مستقل و انقلابی خود با وجوده های
هیئت حاکمه نمیدیدند . اما در جریان اقدامات انقلابی شان با عمل
خشن و سلحشانه کمیته های انقلاب اسلامی و مخالفت مراجع و تحریم
صادره زمینها از جانب آنان مواجه شدند . این امر اعتراض شدید آنان
را برانگیخت . آنان میگفتند " ما مبارزه کردیم و انقلاب کردیم و مسکن
نداریم ، این زمینها را تصاحب میکنیم " و با ما " همین کمیته میگفتند " ما
پادگانها را خلع سلاح کردیم ، داریم بنامحالا همان اسلحه ها را بطرف
ما میگیرید ؟ " و " ما شما با خطر سرمایه داران را با بگلوله می بندید
و آنوقت ادعای ضد سرمایه دار بودن هم دارید " .

بقیه در صفحه ۱۴

کار مسکن آزادی

حمله گمبته ها برای بیرون راندن زحمتکشان از زمینهای حاصلخیز -
 شده از یک طرف و تبلیغات هیئت حاکمه از ارگانهای تبلیغاتی است
 از جانب دیگر هر چه بیشتر مهابت ضد خلقی هیئت حاکمه را برای کارگران
 و زحمتکشان نمایان میکند . هیئت حاکمه از آزادیونلو بیرون اعلام میکند
 تصرف زمینهای دیگران حرام است سعی میکند با استفاده از اعتقادات
 مذ هبی مردم در جنبش آنان تزلزل ایجاد نماید .
 مسکن یکی از نیازهای انسانی کارگران و زحمتکشان در سیستم
 سرمایه داری بصورت یک مشکل حاد و غیر قابل حل درمی آید .
 از آنجا که این نظامها هیتا بر ضد منافع کارگران و زحمتکشان می باشد
 هیچگاه قادر به حل این مشکل نخواهند بود و نمی خواهند هم آن واحد
 کند حل نهائی مشکل مسکن که ناشی از روابط استثنایگانه است فقط
 در صورت محو این روابط و پایان دادن به بهره کشی انسان از انسان
 یعنی نابودی مناسبات سرمایه داری امکان پذیر است .
 هم اکنون هزاران قطعه زمین بزرگ و آپارتمانهای عظیم در تصرف سرمایه
 داران و زمینداران بزرگ قرار دارد . بنیاد مسکن مستضعفان که به
 مالکیت خصوصی اعتقاد دارد و قادر نیست به اقدام قانع کننده
 زمینها و آپارتمانها را صادر کرده و در اختیار کارگران و زحمتکشان بی
 مسکن قرار دهد . اقدام انقلابی کارگران و زحمتکشان در صادره
 زمینها و آپارتمانهای سرمایه داران بیانگر این حقیقت است که آنان به
 خوبی دریافته اند که فقط از بیرون میخواهند توانست مشکل مسکن
 را حل نمایند .
 تفسیر در صفحه ۱۲

بی مسکنی و بی فدائی و بیماری و هزاران نوع ناامنی و نا امانی آنان را
 تهدید می کند . قوانین ضد کارگری در همین جوهری بر روی تمام
 جنایات بهره کشان سرمایه داران سرپوشی گذارد و تماماً در
 جهت تأمین منافع سرمایه داران وضع و اجرا میشوند .
 کارگران این نیروی اصلی تولید و راکت شدت کار توان خود را از دست
 میدهند و غلظت و زمین گیر شده و انواع بیماریها مبتلا می شوند
 در چار انواع سانحه ها میشوند و حتی باغذای فاسد و مانده کانتینر
 مسموم میشوند و میمیرند و این اینکه مسئول اصلی این جنایات
 شناخته و معرفی شود و با خبری از این حادثه به گوش مردم برسد .
 خان کارگران و زحمتکشان بسیار از آن خرید و فروش می شود .
 سپاه بیگاران که خود زائیده چنین نظام ضد انسانی ای است
 مشکل سرمایه داران را تأمین نیروی کار از دست رفته براضی حمله
 می کند . برای سرمایه داران نگرانی فقط یک چیز مهم است . مسکن
 و باز هم مسکن !

در تاریخ ۱۵/۸/۲۸ نفر از کارگران کارخانه خانسازی
 ایردک تبریز با خوردن عدای کانتینر مسموم شدند .
 درستعلی بهاره کارگر ۵ ساله این کارخانه که ۱۳ نفره خانواده خود
 و برادرش را (او هم در سانحه حین کار جان خود را از دست داد)
 است) با حقوق ناچیز روزانه ۲۲ تومان جوانگه خود را در اثر این
 مسمومیت جان خود را از دست داد . مسئولین امر در مورد این
 مرگ طبق معمول سکوت کردند . کارگران ایردک یکبارجه
 خواستار بودند که خیر مسمومیت آنها و ولت این امر بی توجهی کار
 فرمایان و . . . از آزادیونلو بیرون بکشند و چون اعتقادی به
 سخنان و وعده و وعید های هیئت حاکمه نداشته اند و شترنفر
 از کارگران به اداره تولید راد پیورفته خواستار شدند که مسئولین
 راد بیونلو بیرون به کارخانه رفته و از نزدیک با کارگران صحبت کنند
 اما راد بیونلو بیرون که در انحصار هیئت حاکمه قرار دارد با عدم
 انتشار این خبر بهر دلیلی حمایت از سرمایه داران سکوت اختیار
 کردند .

و در پی شکایت پسرا گرفتار شده با زیر بار سرمایه داری خاصی
 چنین مزد برانی همسر دستمعلی میگردد و معتقد آری از مدتی بر عامل
 (که به اعتقاد کارگران در واقع عامل اصلی جنایت است) شکایت
 میکنی .
 و این در نظام سرمایه داری است که کارگری به این نحو زندگی خود را
 از دست میدهد . نظامی که جنایاتی این چنین در آن بسیار پیش
 می آید و سایر خانوادهها با از دست دادن نان آور خود زندگیشان
 از هم پاشیده میشود .
 منافع کارگران و کلیه زحمتکشان تنها در یک جامعه بی طبقه در
 جامعه ای که بهره کشی انسان از انسان پایان یافته باشد ، در
 جامعه ای که کار برای همه ، مسکن برای همه ، نان برای همه خواهد
 بود تأمین میشود . و این جامعه را جامعه ضد و متضاد گلیه -
 زحمتکشان برهبری طبقه کارگر بوجود خواهد آورد .

چرا دستمعلی بر باره کارگر کارخانه ایردک ، کشته شد ؟



در جوامع سرمایه داری کارگران عامل اصلی تولید ثروتش چرخ اقتصاد
 جامعه هستند .
 سرمایه داران خونخوار برای کسب سود هر چه افزون تر کارگران
 را و تشنه استعمار می کنند . برای سرمایه دار هیچ چیز جز کسب
 سود هر چه بیشتر مهم نیست . زندگی روزانه بودن کارگر برای وی
 تا وقتی مطرح هست که بتواند کار کند و درص و ولع سیری ناپذیر
 سرمایه دار را جواب بگویند .
 کارگران و زحمتکشان که همه چیز خلق می کنند خود فاقد همه چیزند
 آنها در یک جامعه طبقاتی ، در جامعه ای که نظام تنگین سرمایه داری
 بر آن حاکم است ، هیچ چیزند از جزنجیرهای دستهایشان که
 باقیای پرشکوه و خونین آن را از دست خواهند داد .

در اهتزاز باد پرچم خونین رزم کارگران و زحمتکشان

بیتوته و ...

نشین الجبای .

وزیر امور مجاهد زمانی با اربابان ایرانی و روسی وارتجایی و گنگامسی ...
 و آن دسته توسط توده ها و سایر ضابطه های آنها هستند .

در وقتیکه که ...
 از آن جهت که ...
 این امر ...
 در وقتیکه که ...
 در وقتیکه که ...

چون که از ...
 در وقتیکه که ...

۱- اینها حاکمیت ...
 ۲- اینها ...
 این جهت از ...
 در وقتیکه که ...

۳- اینها ...
 در وقتیکه که ...

۴- اینها ...
 در وقتیکه که ...

معاون رئیس معدوم سازمان امنیت (سپهبد مقدم)

در منطقه مغان چه می کنند ؟

طبق خبر رسیده و سرگرد رحمت رزم آریا افسر چنانگی که معاون سپهبد مقدم معدوم سازمان منطقه مغان در آورده است ، وی در منزل قوتانزنگ فتوح ال مزد و اطراف قرار گرفته است .

- همه نزدیکان بی اطمینانند .
- گیا این سرگرد برای سازماندهی سپاه پاسداران و مسازان جدید برای رسیدگی با اربابان وارد منطقه شده است و در این راه با سپاه پاسداران قوتان ال و اربابان و با او همکاری و مشاوره می نماید و مغان نیز توجه خواهد کرد .
- دلیل دیگر آمدن وی منطقه اینست که تا به حال در آزاد ای اوزد ان وزارت اخراج شده و احتمال دارد به باز های سپاه نیز یعنی و نظای آن وابسته باشد . وی گفته اگر قسم راسخ اتمام نمی کردند اطلاعات زیادی از افراد در منطقه می توانستند از وی بگیرند .

با دیگرتعدادی از کارگران

قربانی سوء تدبیر ستی سپه پاسداران

شهید (مغان)

سرمایه داران دروغ میگویند ، بهر حال کارگران تودیه میگویند دست به جنایت میزنند فقط بخاطر کسب سود همه بیشتر .
 سرمایه داران جز استثمار کارگران اندیشه دیگری ندارند که آنان هرگز غذا و پوشاک و مسکن برای کارگران نمی اندیشند .
 کارگران نباید با مبارزات یکپارچه خود بهر حقی خود را از آنان بگیرند .
 حوادث ناشی از کارگاه باعث مرگ و زخمی شدن کارگران میشدند .
 سرمایه داران پیشروانه تصادف جلوه میدهند که اما در واقع اینگونه حوادث بخاطر کمبود وسایل ایمنی کار و پیش میآید .
 کشته شدن نفر از کارگران حرکت کشت و صنعت مغان در رسک حادثه رانندگی در تاریخ ۸ / ۸ / ۱۹۵۸ نمونه دیگری از حوادث است که در آن کارگران جان خود را از دست میدهند زیرا که سرمایه داران حاضر نیستند بخش ناچیزی از سود های کلان بدست آمده در اثر دسترنج کارگران را صرف تامین وسایل رفاهی آنان بنمایند . شرکت کشت و صنعت مغان سالهاست بجای تأمین سر و سپاه مناسب برای رفاه و ایمنی کارگران از تریلی های کارگری و تراکتور استفاده میکند تا که من

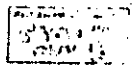
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگیاش

یکی دیگر از سیاستهای ضد کارگری دنیای خاکرمه را پیشانییم



مجلس شورای عالی انقلاب فرهنگی
معاونت عالی آموزش و تربیت عالی
کتابخانه و اسناد ملی
موسسه عالی تحقیقات و پژوهش
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات فارسی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات روسی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات چینی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات عربی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات ژاپنی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات کره‌ای
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات هندی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات اندونزیایی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات مالایی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات فیلیپینی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات تایلندی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات ویتنامی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات لائوس
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات کامبوج
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات برونئی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات مالزیایی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات هنگ‌کنگ
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات تایوان

سازمان چرخهای فدائی خلق ایران



کتابخانه مرکزی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات فارسی

کتابخانه مرکزی
موسسه عالی تخصصی زبان و ادبیات فارسی

ایران با تشعشع که بر اساس قوانین ضد کارگری سرمایه داران تنظیم شده است، اقتصاد کالیفرنیا است بر اینکه سرمایه داران بجزگز به شغلهای مختلف نیروی انسانی را به خدمت خود در آورده و چگونگی معاشی اولیه کارگران را زیر پای نگدارند.

نگات غیر دای که در این سندی به چشم می خورد عبارتند از:

- ۱- برای تحط هر چه بیشتر کارگران به خدمت سرمایه به آنها وند و پرداخت ماهیه التفاوت ناشی از افزایش حقوق میدهند
- ۲- کارگرانی که پس از اخراج مجدد آبرو را خود برگشته اند جدید الامتخام محسوب شده و از گرفتن حق ماهیه التفاوت مذکور محروم میشوند.
- ۳- در نظام سرمایه داری و نیروی انسانی بشکل کارگر صنعتی در کارخانه ها به کارگرمابوزی در ورستگاهها و مشک سرمایه در سرمایه خانه ها بزیرمباز بهر کسی کشیده میشود . سرمایه داران این انگلهای اجتماعی برای کسب سود های سرسام آور کارگران و کشاورزان رازه تنها در کارخانه ها با مزاج بکار طاقت فرسائی می گمارد بلکه برای حفظ روح است از منافع طبقاتی خود آنان را اجبارا به خدمت در ارتش (دوره سرمایزی) تحت عنوان هرامت از رزمییم واداری کنند . ارتش در یک جامعه طبقاتی ابزار سرکوب آن طبقه ای است که قدرت را به دست دارد . بنابراین سرمایگری و تقویت ارتش و نظامی که سرمایه داران در فرودنده نه کارگران و زحمتکشانی یعنی تقویت ابزار سرکوب سرمایه داران یعنی تقویت اعمال وحشیانه و سر...

بزرگانه ارتشی که نمونه هایش را در روزهای انقلاب پیشگامان دیدیم وند او نیز را در به خون کشیدن کردستان و کربلا انزلی و خوزستان و ... می بینیم .

روح تشنه آن شهر پرستان با نیش تن به خدمت سرمایه داری دست نه چین با نظم شده خاکی ارتش را به با شخص و غیر انسانی آن آشنائی د ارت و آنگاه ای که از بران قیام تا کنون کسب کرده اند ما در بدن جنایات و کشتار و شهادت که ارتش در ده ساله اخیر و گزین مان برده اند اختراست شوار ارتش را با نامت " پایشان بر اوج حق قابل رفیویزیست . رضای دلایل مورخانی سرمایه داری ارتشی دنیای پیشرفته ایست نشان می دهند .

یک از نکات مهمی که در دستها می بینیم در این رابطه و اینست که ارتش و نشان این است که سرمایه داران برای بهای اندر و در دست به بیم خیار مالی میزند . در واقع همان برای اینکه بتواند فعالیت کارگران را به خدمت در ارتش (دوره سرمایزی) جلب نماید نیاز است آنها را اجبارا کند که ایجاب از دوره سرمایزی نه تنها بر کوشا پیمان بر خیزند ، بلکه در قائل بر اوست ماهیه التفاوت ناشی از اجاری و حقوق شهروندی عالی و پیشی بر سایرین . سرمایه داران در سال ۱۳۵۸ در وجه آنان الزام میبندد .

ماهیت ضد کارگری ما را این پیششنامه و تقییم شیطان مغرب که در سال ۵۷-۵۶ در صورت بازگشت به سر کار جایشان بود و در استفاده نام محسوب شده و از گرفتن حق ماهیه التفاوت ناشی از افزایش حقوق حجه ۵۸ محرومند . قبل از هر چه زبان سوال پیش می آید : کارگرانی که در سال ۵۶-۵۷ (زمان انقلاب) از کارخانه اخراج شده اند اغلب چه تیب کارگرانی بودند ؟ سوال دومی که پیش می آید اینست که اولاً در رژیم های ضد خلق پیش و رژیم سابق در چه صورتی کارگران را از کارخانه ها اخراج می کنند ؟

بطور کلی در سیستم سرمایه داری در سه صورت کارگران و اخراج می کنند . ۱- در صورتی که بحران وجود داشته باشد کارگر خانه ها خوابیده باشند و احتیاجی بکارگرنیاند . ۲- آنکه در بازار کارگران استفاده کرده و شیره جانش را مکیده باشند که دیگر در کار خود و شغل معروف کارگرمبوزی سرمایه داران را خرابند . ۳- در صورتیکه کارگراگه و باور و به و در راهد با زیرمبیره کوش کار فرما و سرمایه دار مبارزه کند . که شهادت نشان میدهد کارگران اخراجی سال ۵۷-۵۶ رژیم نفوس پهلوی میثالی آرد و کارگران مبارز بودند . نقش این عده از کارگران در دوره انداختن اعتماد و تقویت روحیه مبارزاتی کارگران پایه پیشانی نیرو شاه و سازمان داری مبارزات آنان در تمام مدت انقلاب چشمگیر بود . است و حداکثیت فعلی که خود با قدرت همین کارگران روی کار آمده است با محروم کردن ایندسته از کارگران از دریافت حق ماهیه التفاوت ناشی از افزایش حقوق در حقیقت تحطیلات در ره مبارزات ایندسته از کارگران می کنند . جان اکثر تمام کارگران اخراجی سال قبل جز کارگران آگاه و مبارزیم نموده وند لایل دیگری اخراج شده باشند در طول مدت بیکاری آنچنان زیر فشار و محرومی می پایی

پیشی بسوی تشکیل هیئت حزب طبقاتی کارگران

دستگیری

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در اردبیل و نمین

یکشنبه ۲۲ شهریور یکی از زندگان آنگاه، مبارزان اردبیل (دکتر اکبری) بدلیل نامطابقی تجدید سوابق پاسداران اعزامی از تهران به تبریز و با فاصله سه روز از اولین دستگیری تبریز انتقال داده شده است. دکتر اکبری از جمله سه انقلابیون مبارزی است که در ایام در دفاع از منافع کارگران زخمی شده و بر پایه ریه و دستهایش زخمی شده با مریضه‌ها در بیمارستان شاه مبارزه کرده و معساز قیام به مؤثر خلاقه‌ای برای ارتقاء فعالیت انقلابی این ریه‌ایه امیرالیه‌ایسم و سرانجام در این قتل‌عام کشته شده است.

در روز ۲۳ شهریور، دکتر اکبری در اردبیل به همان شب چهار نفر دیگر از هواداران سازمان توسط پاسداران اعزامی از اردبیل دستگیر میشوند. جریان دستگیری بدین قرار بود که: جمعی از مبارزان اردبیل از راهی از اردبیل و آنگاه از تبریز به تبریز می‌رفتند. در شبانه‌روز سه گروه بخانه‌های انقلابیون در نمین حمله می‌کنند. آنها پس از ورود در آنجا شبانه‌شان تمام بخانه را تفتیش کرده و بسیاری از آنها را به هم ریخته و انقلابیون را با ضربات وحشیانه قتل و زخمی کرده و در تبریز نگهداری می‌کنند. در همان شب آنها را به اردبیل می‌برند. در آنجا آنروز، این دستگیرشدگان نیز به زندان اوین تبریز انتقال داده میشوند.

تاکنون اقدامات سازماندهی و بنویزندگان انقلابیون دستگیر شده برای اطلاع شدن اولویت دستگیری و بازگشت با آنان به‌جا نمی‌نویسیده است. مردم تبریز که این انقلابیون را از نزدیک می‌شناختند به شدت از این اعمال وحشیانه و خرد از تبریز می‌آید که توسط سپاه پاسداران باجرا در آورده است. منبج و خشمگین اند.

این از جرایم زور و سنگین شدگان در نمین بزرگ شیری و خورشید است که با دستگیری نشیرو خورشید در نمین به بزرگ ماند و هر روز ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از مریضه‌های نمین و اطراف آن که به شیری و خورشید مراجعه می‌کنند سرگردان می‌نویسند نتیجه باز می‌گردد.

دستگیری این رفقای روزنامه و انتقال آنها به زندان اوین به‌سر بی‌بانه‌ای که باشد در طقه ایستاده فقط علیه آنان بلکه علیه آرمان انقلابی شان و علیه آزادی‌های سیاسی که حق مسلم تمامی زخمی‌شدگان است.

این واقعه در همین حال هشده است بتامی انقلابیون که برای مقابله با سرکوب و گسترش ارتجاع بیرون خود راه هر چه بیشتر با کارگران و زخمی‌شدگان شهر تبریز و تنگ‌ترش داده به ضوابط تشکیلاتی و امنیتی کار خفیه را در قیام رعایت کرده و در انشاء هرگونه اعمال ضد خلقی و دزدانی ماهیت امیرالیه‌ایسم به سر پایه داری و ارتجاع بتیوه و مافضالانسه مکتب شده است.

روستایان قریه افشار میانه علیه ابراهیم خان قلندر

مبارزه می‌کنند

قریه افشار با جمعیتی حدود ۱۰۰۰ نفر در ۳۰ کیلومتری میانه قرار دارد. این ده در این معادن کبچ و آهک است که ارباب قلندر ابراهیم خان حقیقه زاده به تصرف خود در آورده است (احتمالی قریه امسلاک می‌بود در ده راد معادن و از ابراهیم خان خریده بودند که بعد نهمی نیز در این زمینها قرارداد است. بعد از آنکه ابراهیم خان با خود می‌برد قبائل جعلی تهیه و با زور اسلحه و زور ارم این زمینها را از روستائیان خارج می‌کنند. در این معادن به‌جای شصت کارگر سرمتناویا کار می‌کنند و ۶۰ کاهین سنگ کبچ و آهک را از معدن برای فروش حمل می‌کنند. کارگران معادن که از ساعات اطراف قریه افشار یا خود این قریه می‌باشند از نظر ایمنی در وضع بسیار خطرناکی قرار دارند و عمران خطرات جانی آنها را هرگز تهدید نمی‌کند. این کارگران که زیر فشار کار طاقت نرسند در این معادن می‌سوزند و هیچکدام بیهوش نمی‌باشند و کار فرما (ارباب مخفخور) همیشه مبارزه کارگران در راه تاهین خواستهایشان از جمله بیهوشی و رها کردن یا سرکوب یا سرکوب داده است.

کارگران زخمی‌شدگان معادن چند روز پیش تصمیم می‌گیرند معساز را تصاحب کنند اما ابراهیم خان این ارباب مزدور در مقابل خواست کارگران اعلام می‌دارد اگر زیاد حرف بزنید معدن را تعطیل می‌کنم و همه شما را بیرون می‌برم. کارگران متحداً در برابر این تهدید مقابلت نموده و می‌گویند: "تو ابراهیم خان نیز مثل ما کارگران بایستی در این معدن کار کنی و هر سودی بدست می‌آید باید از کارمان بیه نسبت زحمت هر که امان بین خود تقسیم می‌کنیم". مالک در مقابل اتحاد مبارزه جوانان کارگران تاب مقاومت نیامده به افراد مزدور ولین‌های جماعی دست می‌نویسد. این بار نیز ارباب با جماعی دستهایش در مقابل قدرت یکپارچه کارگران عقب می‌نشیند. ارباب جریان درگیری را بکلیه انقلاب اسلامی میانه می‌کشد که ما بهترین کمیته در میانه اظهار می‌دارند اولاً معادن مال ابراهیم خان است و مالک شرعی معدنها است و کارگران از این بابت هیچ حقی ندارند. ثانیاً این کارها مربوط نیست بکمیته خلخال مربوط است. کارگران به پایگاه ماهمان رفته و از آنجا راهی خلخال می‌شوند که در بین راه ابراهیم خان بانقشه قبلی و با افراد مسلح مزدور خویش جلو ماشین کارگران را می‌گیرد که نجره جیب شدن ماشین و زخمی شدن عده ای از آنها می‌گردد. مبارزه کارگران قهرمان این معادن هشسوز ادامه دارد.

سازمان مسود ارباب و سببم کارگران و صاحبان ماشین

قیمت هر کاهین سنگ کبچ ۳۰۰ تومان است. از این پول ۱۰۰ تومان به راننده (که شامل مزد راننده و کرایه کاهین است) ۱۰۰ تومان به هر یک کارگر ۱۰۰ تومان بخانص به ابراهیم خان می‌رسد. ابراهیم خان این پول را با اسم بهره‌مالکانه دریافت می‌دارد. حال در آمد روزانه ابراهیم خان را حساب می‌کنیم:

بقیه روستائیان قریبه اقسااریانسه علیه

۱۲ ماشین در معدن کار میکنند - هر ماشین بطور متوسط هر روزه -
نوبت بار میزند و روی هر هفته ۶ ماشین با قیمت کل ۸۰۰۰ تومان -
از ۱۸۰۰۰ تومان ۶۰۰۰ تومان به دوازده راننده با ماشین و ۶۰۰۰ -
تومان به حدود ۶ نفر کارگر ۶۰۰۰ تومان به ابراهیم خان میرسد -
در آمد سالانه ابراهیم خان تنها از این معدن یک میلیون و شصت و
بیست هزار تومان را بالغ میشود - البته ابراهیم خان از چشمه آب ده -
نیز سهم میرد یعنی ۵/۱۰ دانگ چشمه مال ارباب است و ۵/۴ دانگ
مال سهم نفرو هر آن سیلاب این چشمه را تهدید میکند و اینکه اهالی
۴ هزار تومان سنگ خریده اند و برای سد بندی آماده هستند و لسی
ابراهیم خان همچنان در پی کسب منافع و استثمار کارگران است .

راه مسیح

ابراهیم خانها امروز در زمین مای در چهار گوشه ایران کم نیستند ،
آنها در روستاها و دهقانان را غارت میکنند ، کارگران را استثمار میکنند
و در شهرها را کز تولیدی نیز به چپاول نیروی کار رنجبران مشغولند -
آنها هم اکنون بشیوه سابق و بدست همان قدرها غارت و استثمار میشوند
قانون اساسی تحمیلی جدید نیز استثمار رنجبران و حاکمیت سرمایه را
مشروع و قانونی اعلام کرده و بدست و دل غارتگران و سرمایه داران
بزرگ را در برودن دسترنج کارگران یازگذاشته است ، در واقع این نظام
سرمایه داری است که قانون استثمار رنجبران و رنجگشان را مجاز
میشمارد و هرگونه اعتراض را با گلوله و چماق بدست و کمرته هایا مسخ
میکند ، کارگران و رنجگشان تنها از طریق تشکل و یکپارچگی خود قادر به
عقب نشاندن دشمنان قسم خورده خود میشوند .

گزارش از روستای مجید آباد از توابع اهر

سلطان سلطانی یکی از بزرگان حلقه بگوش شاه با نصب زمینهای
روستائیان در دهات مجید آباد و سید نفی و نواسرو شیران و سنگلاب
روستائیان را با فقر و فلاکت گشاده است . این شخص از سال ۴۲ بسا
استفاده از قدرت خویش و از طریق اصلاحات ارضی قلابی تمام زمینها را
از دست روستائیان بیرون آورد بطوریکه اهالی روستاهای مزبور مجبورند
گندم خود نیاز خود را از شهر وارد کنند .

بعد از تمام روستائیان زمینهای خود را از چنگ سلطانی بیرون
آورد و شروع به در زمینها نمودند . ولی طبق معمول ارباب باکسک و
همکاری گروهان و اندامی و کمرته انقلاب اسلامی سعی کرد از این عمل
انقلابی روستائیان جلوگیری کند . آنها خواستند با تطمیع عده ای از
روستائیان مرفه الحال بهین روستائیان تفرقه انداخته و تشکل و وحدت
آنها را در مقابل ارباب از بین ببرند و مانع از در پی زمینها بفتح روستائیان
شوند . وضعی جوانان ده از این توطئه باخبر میشوند با شعارهای
" پدرهای بیبردیگر گول این گرگهاران خورید زمینهای از دست رفته را
پس خواهیم گرفت " وارد خانهای شدند که رئیس پاسگاه پاسدارها
ارباب و چند روستائی مرفه الحال در حال مذاکره بودند . رئیس
پاسگاه که شدیداً به وحشت افتاده بود با چوب زبانی و خواهش
و قول پایان دادن بعد اوقات سازشکارانه فوق از درگیری جلوگیری

کرد و شبانه ارباب و ما" هوان از ده فرار کردند . بالاخره جوانان
روستا با افشا توطئه های ارباب و ولای مرتجع محل که عمل روستائیان را
تلاش شروع قلمه اند میکرد توانستند زمینها را بفتح روستائیان صادر
کنند .

روستائیان با شعار

« هرگ بر ارباب »

« هرگ بر سرمایه دار »

زمینهای اربابی را مصادره کردند

روستا ، نوجه ده کرسی یکی از توابع بخش کلیسر است و دارای
زمینهای آبی و چراگاههای تابستانی و زمستانی وسیع و مناسبی است .
اربابان این روستا در زمان اصلاحات ارضی کذا ائی شاه بانواع وسیع
و توطئه دست زدند تا اینکه مانع از تقسیم اراضی شدند .

روستائیان بخیال اینکه بعد از تمام هیئت حاکمه جدید زمینها را
از دست اربابان گرفته و کشاورزان خواهد داد منتظر نشستند و لسی
نه تنها خبری از صادره زمینها نشد بلکه اربابها (اربابان این روستا
مبارتند از فیض الله خان کرسی - قدرت خان کرسی - عوض اله خان
کرسی و خیراله خان) با حمایت هلش هیئت حاکمه پاخیال راحت
زمینها را برای کاشت بهاره لوسیا چو آفتابگردان آماده کردند .
روستائیان وضعی چنین دیدند روزی ۷/۱۰ / ۵۸ در یک اجتماع عمومی قرار
گذاشتند زمینهای اربابها را صادر کرده و شروع بکشت نمایند .

روستائیان با ۲ دستگاه تراکتور و هر خانواده بایک گاو ۱۰۰ -
کیلوش گندم با شعار هرگ بر سرمایه دار هرگ بر ارباب ارباب
ناپود است به سوز زمینها رفته و شروع بکاشت کردند . چراگاهها نیز
توسط روستائیان صادره شد .

۱ زم به یاد آوری است که روستائیان کم زمین و قریه ها (خوش -
نشینها) مشترکاً به این عمل صادرت کردند . از ۱ خانوار فقط
۴ خانوار بود که از در آوردسته اربابها بودند و در صادره زمینها
شرکت نکردند . بقیه ۱۴۴ خانوار ضد ارباب زمینها را صادره کردند و
بطور مساوی بین خود تقسیم کردند .

این اقدام انقلابی و بیرو زنده اهالی روستای " نوجه ده کرسی " -
مورد حمایت و پشتیبانی اهالی روستای دمری قرار گرفت .

گد کلهای مالی رسیده به سازان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه آذربایجان .

۲۸۰۵ ج	۱۲۴۴۵۱۷
۵۸۰۰ د	۱۲۱۳ گ
۱۰۹۸۷۲	۳۸۲۳ ب

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

اتحاد مبارزه و پیروزی

کارگران شرکت راهسازی آذربایجان

یکی از نتایج رشد روابط سرمایه داری در هر کشوری بسط و گسترش راه پانچ میله در راه، ترانزیت، بین مناطق مختلف آن کشور است تا سرمایه داران کالاها و نیروی انسانی به راحتی بتوانند نقل و انتقال یابند. چرا که سرعت گردش سرمایه و کالاهای بیشتری را دارد. سرمایه داران میگردند به همین خاطر است که ماشاها دستش و توسعه راهسازی و بنا کردن در زمین خرید بخصوص از سال ۴۲ بعد همسقیم یعنی زمانی که سرمایه های خارجی با ابعادی بسیار وسیع به زمین کشور وارد میشود.

امریالیسم رژیم وابسته به آن برای کسب سود هرچه بیشتر دست به فعالیتهای وسیع راهسازی و تأسیس بنادر و مجهز کردن. همسزمه هنگامت این راهبانانک و از جمله در آمد ملی تا همین میشد که خرید بهره گسی کارگران وزارت ترابریهای طایفه ای بگردان میگردید این سیاست سلطه گرانه امریالیسم رژیم مزد پرور وابسته بآن در تمام موارد خود را مینمایاند. مثلا جاده های مهمی ساخته میشد که فقط روابطه با اهل و نقل تجهیزات نظامی ارتش امریالیستی بوده و ایجاد بهائی ساخته میشد که صرفاً نارت منابع طبیعی -

مبستان را تسهیل می نمود و ورود کالاهای بنجل کشورهای امریالیستی لیستی را آسانتر میکرد. در حالیکه اکثر صنایع و مراکز شهری شهرهای میهنمان تنها با بهره راهبانی بهم مرتبط بوده و هستند.

گسترش وسیع عملیات راه سازی نیاز به تأسیس شرکتهای بزرگ سرمایه داری و ساختن راهبانی را بوجود آورد و این شرکتهای کارگران و کارکنان زیاد ی راه خده تا گرفتند.

کارگران شرکتهای راهسازی و ساختن این از جمله کارگرن هستند که در وضعیت شغلی و معیشتی بسیار بدی بسر میبرند. این کارگران اکثراً مستألفی هستند که از زمین و وسائل تولیدشان در روستا کنده شده اند و روابط سرمایه داری امریالیستی نیز مانع اشتغال آنها در مجتمع های تولیدی شده است و وضعیت شغلی این کارگران به علت معیشتی بودن کار بدم شکل وحدت بین آنها بد تر از کارگران صنعتی است. سرمایه داران از این وضعیت (عدم تشکله معیشتی بودن و...) حد اکثر استفاده واکرده و شدیدترین استثمار را از نیروی کار آنها میکنند. آنها به انواع مختلف مانع از اتحاد کارگران شده و از تفرقه بین آنها به ازات آنان راهبانه شکست میکشاند. خیل بیگاران در خیره دست سرمایه داران را در اخراج کارگران آگاه و مبارزان بگذاشته است.

در روزها کارگران شهر را که با انگور و حیات کارگران راهسازی و ساختمانس و رفتار وحشیانه کارفرمایان با آنهاست می آوریم. این گزارش از شرکت آریل به یکی از نزدیکترین شرکتهای راهسازی و ساختمانسی

تهیه شده است. این شرکت در نقطه ایران مشغول عملیات راهسازی است.

گزارش ما از منطقه بین شهرستان مهاباد تا راه رشت است. این جاده ازمه قطعه (سایت) تشکیل شده است که از میان راهات میگردد. کارگران فصلی که در ماه ازمال راهب کشاورزی میشوند بقره سال راجعت کار به قسمتهای مختلف این شرکت سرانزده میشوند ولی قبل از اینکه دارای سابقه کار کافی شوند نتوانند از زبایای شرکت استفاده نمایند. از کار اخراج میشوند و بجای آنها کارگران تازه ای به کارگمارده میشوند. این عمل حدود ۲ سال است که توسط این شرکت انجام میگردد. اخراج کارگران که همیشه حربه مهمی در دست سرمایه داران علیه کارگران است مخصوصاً پس از قیام در این شرکت با سرعت بیشتری صورت میگردد.

حتی افرادی با سابقه ۱۰ سال خدمت نیز اخراج میشوند. مزد کارگران ساره از ۳۰ الی ۵۰ تومان و کارگران متخصص در امور فنی و رواندگان ۴۰ الی ۷۰ تومان در روز میباشند. با اینکه در صدی بعنوان حق بیمه از مزد آنها کسر میشود ولی از تفرجه بیمه در وانی خیری نیست. مهندس این شرکت که خود از سهامداران بزرگ آن نیز میباشد شد بدترین خفتان را در محیط کار بوجود آورده است. اعتصاب کارگران يك قطعه "او" قطعات دیگر پنهان نگه داشته میشود و این امرها موجب شکست اعتصاب کارگران شده است. کمیته گری اعتراض منجر به اخراج میشود. اخراجهای بی دومی بعد از قیام و اعمال وحشیانه صاحب شرکت کارگران را هر چه بیشتر بهم نزدیک کرده است چنانچه این اتحاد موجب شده چند تراز کارگران اخراجی دوباره به سز کار برگردند.

روز ۱۷ شهریور (۱) کمیته ملی رسمی بود مهندس سربه کارگران میگوید: "۳ روز تعطیل شهری است نه تعطیل کارگری کارگران اعتراض کرده و میگویند: "مگر تعطیل رسمی که را در پوها اعلام کرد اند تعطیل کارگری نیست؟" مهندس مرتجع پاسخ میدهد: "امروز روز سازندگی است باید زیاد کار کرد" و در مقابل اعتراض کارگران داد میزند: "شما چرا می خواهم تعطیل کنید؟ شما که ایمان ندارید. یکی از کارگران جواب میدهد: "ما شرف و حیثیت داریم که هیچگاه با ایمنان فلاهی سرمایه داران هوش نی کهم، روز رگدشت آیت الله طالقانی نیز هر چند شرکت سعی کرد از تعطیل و تجمع کارگران جلوگیری کند ولی موفق نشد. کارگران اعلامیه های ضد کارگری را که توسط عامل شرکت به دیوارها چسبانده بودند کنده و بطور بیراکنده به ما منتظم فریاد می زدند: "ناید کارگر اخراج گردد" "حقیر کارگر بود است کرد" "پورتا صرنا بود است کارگر پیروز است" (پورتا صرنا مهندس مرتجع و سهامدار بزرگ)

(۱) این گزارش از بدتی قبل بدست ما رسیده بود ولی بعلم عدم تنظیم به موقع آن که خود شیطانی از بی توجهی ما بود انتشار آن به تعویق افتاد. ولی از آنجا که دارای اهمیت است و از اهمیت جسته ای بود اتمام به تنظیم و چاپ آن نمودیم.

۴۰ ساعت کار در هفته

اتحاد، مبارزه و پیروزی کارگران شوکت راهسازی

آرمل

شوکت است (۰) علاوه بر هر کات خود بخودی و کارگران سه اعتصاب منظم نیز داشته اند. این اعتصابها که به صورت عمومی نبود ولی با موافقت و تأمین حداقل تشکیک کارگران پایان یافت

اولین اعتصاب در تاریخ ۱۲/۱/۵۸ در قطعه یک (گنجگاه) به وسیله کارگران ساده پل سازی صورت گرفت بهترین خواسته آنها افزایش دستمز بود. بدنیال سه روز اعتصاب که با بیش موفقیت آمیزه شوکت به خاطر اینکه رفتای کارگرد و قطعات و دیگران در وضع اعتصاب این (سایت) باخیز نشویند، خواسته های کارگران را قبول کرد.

اعتصاب دوم که در قطعه ۲ صورت گرفت با اخراج ۳۶ کارگریا پایان یافت. مهندس مترجم همچنان به اخراج کارگران ادامه میداد.

نارضایتی و خشم کارگران از این اعمال روز بروز بیشتر میشد و دیگر کارگران با کارفرمای شوکت مبارزه آنها را هر روز شدت بیشتری میداد و از درون این مبارزه اعتصابی کارگران بود که نمایندگان واقعی آنان بیرون آمدند. کارگران ضرورت تشکیک خود را در عمل درک کرده بودند.

درگیری کارگران با کارفرمای شوکت مبارزه آنها را هر روز شدت بیشتری میداد و از درون این مبارزه اعتصابی کارگران بود که نمایندگان واقعی آنان بیرون آمدند. کارگران ضرورت تشکیک خود را درک کرده بودند.

اینبار خیر اخراج در وقت دیگران کارگران باعث حرکت دسته جمعی آنها میشد. نمایندگان کارگران موضوع اخراج را به قسمتهای دیگر اطلاع میدهند و طوفانهای میهنی را برانگیخته تمام جنایات او را شمرده و به وی اخطار میکنند که اگر اخراج کارگران را قطع نکند و اضافه کارها را بپرداخت نکند اعلام اعتصاب عمومی خواهند کرد. کارگران برای هماهنگ کردن هر چه بیشتر اعتصاب محل کار خود را متضایب از قطعه ای به قطعه دیگر تغییر میدهند تا بتوانند با یکدیگر صحبت و همکاری کنند. تعیین مکان توسط کنترلچی ها بگوش صاحب شوکت میرسد و در نتیجه تمام انهایی که جای شان را عوض کرده بودند غایب محسوب میشوند. هر روز که میگردد اعتراضات شدید تر میشود.

مهندس در وقت دیگر راه جرم اختلالگری اخراج میکند. کارگران بسا فرستادن نامه ای به دفتر شوکت اعلام اعتصاب کرده و همزمان در تمام قیامات دست از کار میکشند و روزی دو اعتصاب شخصی که بسعد معلوم میشود ما هر کمیته میانه است به شوکت آمد و اساسی ۳۷ کارگر را میخواند و در آخر میگوید: "جناب مهندس فرمودند که چون کارکم شده است به وجود افراد نامبرده نیازی نیست لطف کنید و دیگران فرد انبیا کنید." بلافاصله کارگران با شعار "کمیته میانه ضلع باید گردد" دسته دسته سوار ماشینهای کبیر میشدند و به سمت میانه رفتند و جلوه کمیته تجمع کردند. پس از چند ساعت پورنصریان به خنده زسان همراه با میاهد کمیته و شکنجه گرمیروف کمیته میانه همچنان کارگران آمده و در حالیکه قسم میخورند اشتباها "انامی اینهمه کارگسرا

خوانده اند و با تعدد اینکه تمام خواستههای آنها را بر آورده میکنند. کارگران سرکار برگشتند ولی ۷ نفر از کارگران که مهندس اساسی آنها را به کمیته داده بود به عنوان اخلاکار از کار برکنار شدند. در جریان این سه اعتصاب اگر چه تعدادی از کارگران از کار برکنار شدند ولی آنها بیرون نماندند که بدون تشکیک سازماندهی نمی توانستند به خواستههایشان برسند.

گزارش نشان میدهد که کارگران در آغاز اعتراض خود راه اشکال پراکنده و بدون برنامه ریزی شروع کرده و حتی مواقعی بطور فردی خواستههای خود را مطرح میکنند که اگر جوابی به خواستههایشان داده نمی شود و اگر هم جوابی مثبت به آنها داده شود موجبات تفرقه هائی بین کارگران را فراهم آورده و بسود صاحبان شوکت تمام میشود. ولی از آنجا که همه کارگران توسط صاحبان شوکت استنثار شدند و خطر اخراج همه آنها را تهدید میکند زمینه وحدت و تشکیک آنها فراهم است ضایع مشترک اساسی و به تشکیک کارگران است. آنها در اعتصاب اخیر بخوبی به این امر آگاهی یافته و همرانه برای برقراری ارتباط محکم بین بخشهای مختلف کارگاه کوشش کردند که موفق نیز شدند. کارگران آگاه

با برنامه ریزی دقیق و اعتصاب کارگران را سازمان دادند و همزمان در تمام قسمتهای کارگاه دست از کار کشیدند برای رسیدن به قیامت مشترکان ضعدا در مقابل سروایه داران ایستادند. کارگران یک سایت "با آشنائی به وضعیت کارگران دیگر" سایتها می بینند که وضعیت همه آنها یکسان است و وسیله سرسایه را واحدی استنثار میشوند. کارگران وضعیت خیر را با کارگران دیگر کارخانه ها و کارگاهها تقایم می کنند و وجه اشتراک صیقی بسین وضعیت خود با آنها می بینند.

کارگران به تدریج در خواهند یافت، برای تحقیق خواستههایشان باید سازمان واحدی داشته باشند که همه آنها را در سراسر صیبن مان در برگیرد و با برنامه ریزی سازماندهی آنها را در جهت رسیدن به اهداف انقلابیشان رهبری کند.

ما از شورای کارخانه کبریت سازی توکل ...

بقیه از صفحه اول

دولت موقت عهد انقلابی با رفیق نیمه راهش یعنی شورای باصطلاح انقلابی با زید و روی کار آمدنش از حرکات انقلابی و جنبش و روایعلا تود و ما بخصوص از مبارزات روز افزون و رو به گسترش طبقه کارگر به حثت آمدن هائیکال مختلف سعی کرد که جلوی این حرکات را سد نماید و بالا اقل از سرعت رشد و گسترش آن بکاهد. دولت برای نیل به این منظور از سیاست استفاده می نماید.

۱- سیاست اعمال زهر سرکوب (از راه قهر ضد انقلابی) : سیاست اعمال زهر دولت باشکال زهر خود را نشان داده:

الف- حمل و هجوم آشکار نیروهای دولتی بر اسد اران و کمیته چیبها و موافق چماق بدست به اجتماعات و اعتصابات و تحصن ها و نهاد های دموکراتیک.

بقیه از صفحه ۲۱

ما از شورای کارخانه کبریت سازی توکلی . . .

- ب - سرکوب خلق های تحت ستم کرد - ترکمن . . .
- ج - تهدید و با اخراج مبارزین از محل کارشان
- د - دستگیری عناصر مبارز و شکنجه و زندانی نمودن آنها
- ه - دزدیدن مبارزین و سربره نیست کردن آنها

۲ - سیاست توطئه : این سیاست دولت نیز به اشکال زیر -
حود و نشان میدهد .

- الف - وضع قوانین ضد کارگری و ضد خلق و اعلام آن بصورت -
اعلامیه ها و بخش نامه های دولتی به مؤسسات و ادارات و کار -
خانجات تا کنون نیز دولت با تدوین قانون اساسی و مجلس خبرگان (البته خبره و بورسرمایه داران) و تحمیل این قانون به توطئه ها
به توطئه های خویش شکل قانونی برسی میدهد مفاد قانون
اساسی جد و عمدا سرچشمه است به غارت و چپاولگریهای
سرمایه داران و سدی است در برابر هر نوع آزادی -
البته صاحبان آزادی و محققان است نه آزادی سرمایه داران
چون سرمایه داران طبق قانون به چپاولگریهای خود ادامه میدهند .
- ب - ایجاد سارا و کارخانه ها با همسر بطوطی نوری و بزه .
- ج - تشدید و تشکیک های کارگری و فرمایشی کردن آنها .
- د - خضر قانونی : اعلام کردن سازمانها و احزاب شرقی و انقلابی .
- ه - غیر قانونی : اعلام کردن روزنامه ها و نشریات مسترقی و
کارگری .

دولت این دو سیاست یعنی سیاست زور و توطئه را در تمام بخش های
دولتی و خصوصی و در کارخانجات و مؤسسات و ادارات و ارتش و
در شهرها و روستاها بکار میبرد . البته بسته به اینکه کدام سیاست
در آنجا کارایی بیشتری داشته باشد از آن سیاست بیشتر استفاده
می کند . اما در مجموع با همسازان از مبارزات کارگری و محیط های -
کارگری پیشترده است و خطر اصلی را از آنجا متوجه خود می بیند -
برنامه و سیاست های پیش از آنجا ها (کارخانجات و محیط های کارگری)
خیلی مدت و در بعضی حال نیز گانه پیاده میکند . در همه محیط های
کارگری انعکاس این دو سیاست کاملا مشخص است . کارگران هر
کارخانه یا موسسه اگر کمین و تشکیکند و نظری به سیر تحولات محیط
کار خود بینند از تدبیر و تدبیر متوجه عملکرد سیاست د و گانه دولت
خواهند شد . ما بعنوان مثال کارخانه توکلی را در نظر میگیریم .

البته محققان و کارگران آگاه میدانند در کشور های سرمایه -
داری قانون حاکم نیز قانون سرمایه داران است یعنی قانونی
است که دست سرمایه داران را برای غارت ثروت های طبیعی
کشور و استثمار و محققان باز میگذارد .
قانونی است که کارگران و محققان را از هرگونه اعتراض و مقاومت
بر علیه سرمایه داران منع میکند و در صورت اعتراض و مقاومت در
مقابل سرمایه داران مجازات ها و تنبیهات شدیدی وامی بیند .

بعد از قیام مشرایی که موقعتا تا آذربایجان آورده و در کارخانه توکلان
کارگران برای مبارزه با سرمایه داران و احقاق حقوق خود دست به
انجمن تشکیلات کارگری زدند و در این رابطه مشرایی تشکیلات دادند
این مشرایی اینک مشرایی واقعی نبود و بی عملت موقعتا انقلابی
آنزمان و وجود فردی مبارز و طرفدار کارگر در آن و شهراد را لا برون -
آگاه های مبارزاتی کارگران نقش زیادی بازی کرد و مشرایی شدت عددی
از خواسته های کارگران را از کارفرما بگیرد . (چون این موضوع
بطور شرح در راپرخ شماره ۳ نوشته شده است اینجا به طور
خلاصه از آن میگذریم .) این امرها را نظریکه قبلا گفتیم برای
دولت ضد انقلابی قابل تحمل نبود و در اینبار این سیاست د و گانه خود را
بکار انداخت . دولت ابتدا با سیاست زور وارد شد و در این سیاست
آنقدر جلوتر رفت که حتی زیرسقف کارخانه روی کار مبارز و مشرایی
کشیدند و او را تهدید بکردار کردند دولت سپس سیاست
توطئه را در پیش گرفت و از وارد شدن مواد اولیه کارخانه جلوگیری
کرد . در این رابطه حتی آیت الله شریعتی را خریدن
کبریت را تحریم کرد و سرانجام دولت کار مبارز و مشرایی را دستگیر
و مشرایی را بهیم زد (مشرایی که کارگران انتظار داشتند بخواسته همای
برحق آنان جامه عمل خواهد پوشاند . اما کارگران نباید بفراموشند

تا حکومت سرمایه داران روی کار است
و سیاست زور و توطئه در کار است مشرایی آنها هر قدر هم طرفدار
کارگران باشد عملا کاری از پیش نخواهد برد و سرانجام سرمایه داران
با هزار حيله و تزویر اگر نشد باز رو سرکوب آنها منحل و وابسته و ای -
فرمایشی یعنی مشرایی سرمایه داران تبدیل میکنند .) در مورد کارخانه
توکلی نیز همینطور شد . دولت بعد از بهیم زد مشرایی قیام مشرایی
جانشین آن کرده است که مشرایی کارگران نیست بلکه مشرایی سرمایه
داران است اگر بگویند آرید ما ما هیئت آخرین ترکیب مشرایی که در دست
سازی توکلی بر رابطه آن بنا نمائید سرمایه داران (در اینجا ما)
و تصمیمات اتخاذ شده در این مشرایی از نظر توان میگذراند و این
قضاوت کنید که سرمایه داران و دولت سرمایه داران چه رزود و آسان
نوانسته نمایندگان مشرایی را رام خود کرده و با آنها برای استثمار و بیشتر
کارگران مشهورت کند و طرح ضد کارگری خود را با آنها اجرا نماید
(اگرچه اعضا مشرایی مثل هم نمیکنند اما مشرایی "ملا" در دست
عاطفین کارفرما مثل رسول مسگری هاست و تیره اعضا مشرایی نیز گویند و در
دنبال آنان روانند .)

عین صورت جلسه در زیر آورده میشود و ما سپس بند بند این
توافقنامه (بهتر است گفته شود توطئه نامه) را از نظر
کارگران و بخصوص کارگران کارخانه توکلی گذرانده و آنرا از نظر
تا کارگران شویجه بشوند (البته اگر شویجه نشد باشد) که این
مشورت مشرایی با بد پر عمل جف و مشرایی کارگران و جف و رفیع سرمایه داران
است .

توافقنامه
صورت جلسه

در تاریخ ۲۱ / ۸ / ۵۸ جلسه ای با حضور بد پریت کارخانه توکلی
هیئت مدیره و اعضای مشرایی کارگران و عده ای از سرپرستان تشکیک
و تصمیمات زیر اتخاذ و مورد توافق قرار گرفت :

بنتج کارگران است. بی این رانیزید انیم چون بکارگران حقوق کافی
باندازه هزینه زندگی شان داده نمیشود، در نتیجه کارگران مجبور
باین کار میشوند. با اینکه از کار انسانی سهم ناچیزی نصیب کارگر میسرود و
ولی در نهایت این امر چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی بنتج
سرمایه دار تمام میشود. از نظر مادی اینکه سود بیشتری نصیب سرمایه دار
میشود تا کارگر. و از نظر معنوی با نتیجه باینکه کارگران بعد از سرمای
مشغول کار میشوند و باسریج ترازحد معمول کار میکنند در نتیجه خسته
میشوند لذت و وقت لازم برای مطالعه و کسب آگاهی پیدا میکنند و نه
تکلیف بیشتر از حد اجباری و همچون کاری را با آنها خواهند داد. بنابراین
به سرمایه داران به بزرگترین امدادی خود که سود بیشتر
و نا آگاهانه داشتن کارگران است دست می یابند. (سرمایه داران —
دیدان که آگاهی کارگران یعنی سرکسرمایه داران).

بند ۴) روزهایی که اضافه تولید شده یا اینکه از مجموع
کنت تولید سرمایه تاناسب علت آن اگر کجود تولید در نتیجه کمکاری
و تصوری از تولید کارگران باشد، قرار بر این میشود که کجود تولید در
روزهای بعد جبران گردد. ولی اگر کجود تولید در نتیجه عملیات خارج
از اختیار کارگران و بدیوبیت بوده باشد جبران کجود آن در روزهای بعد
الزامی نیست.

اگر مفهوم جملات خوب توجه شود، با این بند شرایط حاصل
بتمام حقوق کارگران خط بطلان کشیده است. مفهوم این جملات
یعنی اینکه اگر کارگران دست با انتخاب بزنند و یا دست بکم کاری برای
احقاق حقوق ضایع شده خود بزنند بکارگران مزد روزهای لغتصاب
بود لذت نخواهد شد. و با واضح تر بگوئیم مفهوم این جملات معنسی
غیر قانونسی دانستن حق لغتصاب و غیره. در صورتی
که لغتصاب یکی از حقوق برحق کارگران برای گرفتن حقوق ضایع شده
خوبش است. حق لغتصاب نه تنها باید محترم شمرده شود بلکه
ببایست تمام کارگران ایران است که در قانون اساسی کشور بویژه قانون
کار باید گنجانده شود. با از انشور اسئوال میکنیم شما با صحره —
کانون با این بند از توافقنامه عملا " طرفداری از چه کسانی میکنید؟
کارگران یا سرمایه داران؟ اگر شما همینطور که پیش میروید پیش
برود لا بد روزی هم در یکی از همین جلسات (جلسات مشاوره) با
مدیر عامل بتوافق خواهد رسید که اگر کجود تولید در نتیجه عملیات
خارج از اختیار کارگران نیز (مثلا کجود مواد اولیه) باشد کارگران
حتدا " در روزهای آتی باید این کجود را جبران بکنند.

بند های ۵-۶) کسری پول به نحوه تقسیم این اضافه تولید
و تاریخ اجرای آن است و زیاد مهم نیست.

بند ۸) این قرار داد هر موقعیکه لازم باشد بنابه پیشنهاد شورای
مدیریت با توافق طرفین قابل تغییر و تجدید نظر میباشد. مدیر عامل
و در کار آن شورای فرمایشی فکر میکنند وضع این طوری که پیش میروود
در آینده نزدیک آنها موقی خواهند شد و باره بحرم حقوق کارگران
تجاوز کنند و در توطئه نامه دیگری شدید ترا توطئه نامه موجود بتوافق
برسند. لا بد همانطوریکه قبلا نیز اشاره اش رفت کار فرمای شما
مثلا " در بند ۵ همین توافقنامه بصورت زیر البته " با توافقی طرفین
یعنی بتوافق شرا و مدیر عامل ۱۱ " تجدید نظر کرده " و مورد " تغییر "

قرار خواهند داد.
" روزهاییکه اضافه تولید نشده و یا اینکه از مجموع کمتر تولید
شود و این کجود تولید بسبب علتسی باشد جبران کجود آن در روزهای
بعد الزامی است.

این بند یعنی بند ۸ نیز، دست کارفرما را برای تسوطه های
دیگر باز میکند. وجود این بند در توافق نامه، با توجه بدیوبیت
موجود و با وضعی که شورا ارد در نهایت بنتج سرمایه داران حاصل
خواهد کرد. با انشور اسئوال میکنیم شما با صحره " گذاشتن با این بند از
منافع چه کسانی دفاع میکنید؟ از کارگران یا سرمایه داران؟ با این
خواندن جملات اول توافقنامه (البته بمفهوم واقعی است) با این
توافقنامه را پایان میسرانیم. در تاریخ ۵۸/۸/۲۱ (جلسه
(جلسه مشاوره ای) با حضور مدیریت کارخانه (با حضور نمایان
کارخانه) رئیس هیئت مدیره (رئیس خود کارگران) و اعضای شورای
کارگران (اعضای شورای فرمایشی کارگران) و مدیر ای از سرور و سخنان
(و مدیر ای از طرفداران سرمایه دار) تشکیل و تصمیمات (توطئه های)
زیر (فوق) اتخاذ و بمرور بتوافق قرار گرفت.

طبق معمول اولین امضا مال رسول مسگری بود. امضای سایرین
توطئه نامه است. (با شخصیت رسول مسگری در راه سرخ شما
آشنا شده اید).

کارگران مبارز شما نتیجه شدید که دولت حکومت سیاست بخواهد گران
خود را در کنار سیاست سرکشی گرانه گام بسنه گام در تمام بیصصات
تولیدی و نهاد های اجتهادی به همین در کار شما نجات میسرین و دست
میسرود.

بنابر این کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز همراه و بزرگان انشور
در این شرایط موظفند سیاستهای توطئه گرانه و سرکشی گرانه دولت
را در پیش کارگران و زحمتکشان نا آگاه افشا بکنند و به همین کنت آگاهی
رفقای خود را بالا ببرند. آگاهی بکارگران و زحمتکشان را تا در سراز
بهترین و عاقلانه ترین اسلوب مبارزه را با ضروریات مشهور بکنند
تلفیق نموده و در یکی خلاق از بصیرت کنین و توده ها و طبقات
امیرالیزم پیشآهنگ و آرایش نیروهای مختلفه اجتهادی داشته باشند.
آگاهی اینکه دشمن اصلی دشمن طبقاتی کارگران و ایمان نشان بد ده
آگاهی اینکه بکارگران و زحمتکشان بگوید چرا با اینکه جنگیدیم و هزاران
کشته دادیم ولی بساز و هفتان زمینهای خود را اول کرده و آواره —

شهرها میشوند. بساز تعد اد بکارگران هر روز افزایش می یابد. بیانی
کارگران در بند سرمایه های بزرگ اسیر گشته اند. بساز پیشه بران
و کارندان جز زیور هزینه های سنگین زندگی و قرضه امیرالیزم
میشود. بساز مبارزات دانش آموزی و دانشجو سی سرکشی میسرود
و هرگونه فعالیت سیاسی درمد ارس و آموزشگاهها ممنوع میشود. بساز
ارتش سرکشی خلقهای کرد و ترکمن و عرب . . . میرود از — بساز
سازمانهای سیاسی روزنامه های مترقی غیر قانونی و میرود هجوم قسوار
میگردند. و بالاخره بکارگران و زحمتکشان بگوئیم که چگونه احساسات
پاک مد هی زحمتکشان برای سرکوب خود زحمتکشان بمرور استفاده
قرار میگرد. با آنها بگوئیم که بعد از اقتصادی و سیاسی چیست واکسون
چرا بجا همه ما را در بر گرفته است. با آنها بگوئیم با انگان نماینده چه
بقیه در صفحه ۹

ریشه خواری معروف رئیس کمیته ۱۷ شهریور اردبیل آزاد شد

حیدر و یکماه پیش آخوندی نام "بیدار" رئیس کمیته ۱۷ شهریور اردبیل بحرم ریشه خواری که هم در ری دستگیر و به قم اعزام شد دستگیری این شخص موجب خوشحالی مردم مبارز اردبیل شد. مردم فکر میکردند در قم بحرم وی رسیدگی شده و او را مجازات خواهند کرد. وی چند روز پیش آقای "بیدار" نایک نامه از طرف حلحالی حلال بد اردبیل برگشت. در این نامه به او ابراز امیدواری شد که فسوس مزبور (ردز معروف اردبیل) آدم ذات و منزهی است و مردم باید فسوس کنند که او آدمی مؤمن و مبارز است.

مردم مبارز اردبیل که از بهای این شخص بخیر آنگاهند میگفتند: "حلحالی حلال با این نامه خوب برخورد نمال کش و خائنانه" بیدار را آپوناشی کند ولی عامل از آنست که عوام غریب همیشه خاکه روز بیشتر برای ما روشن میشود.

توجه

اطلاع رفا میرانم که خبر مدرج در صفحه ۴ عمده شماره ۴ راه سسوخ مربوط به کارخانه تولی تبریز صحت نداشته و بدین وسیله استناد خود را اصلاح میکنیم. ضمناً از رفقای که برای نشریه راه سسوخ خبر یا گزارشی بفرستند خواهیم که در بدینستری در گزارشی خود داشته باشند و بعد از آنرا در ضمن از موافق بودن خبر آنرا گزارشی کنند.

پیروز باشید.

بچه نوری تاریخانه نوشتن

طیقه ای است و آیت الله خمینی رضوی چه طیفه ای را به پنده دارد؟

آنها بگویم چرا این بزرگان بیسراول توسط خرد به سسوزوای

ایر گرای سنتی تشییع در ارت کنار گذاشته شد ولی در مبارزه

بند برای انقلاب برگزیده شد. آنها بگویم که مبارزه ضد امیرالیستی

واقعا یعنی چه و در این مبارزه کدام طیفه ما پنهان ضد امیرالیست

و با احرین و قاطع است. بکارگران و زحمتکش را به پندتا که سدا

بگویم که مبارزه ضد امیرالیستی بدین مبارزه با پایه های آن و جنگالها

کننده آن یعنی سرمایه داران وابسته و نظام سرمایه داری وابسته

امکان پذیر نیست

توضیح: اغلاخجایی راه سسوخ شماره ۴

صحیح	غلط	صفحه	ستون
نابینگری	نابینگری	۲	۲
روشنایی	روستایی	ص ۱	۲
مذبحخانه	زعمخانه	" "	" "
نابینش	کهنوش	۱	۱
۵۸/۸/۱۷	۵۸/۷/۱۷	۴	۱

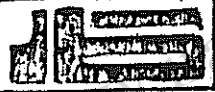
یکی دیگر از سیاستهای ضد کارگری هیأت خاکه را

و بیجانمانی بسز برده اند که در یافت چنین مابه التقاتی کمکی است به آنها برای اینکه حداقل قروض زمان بیکاری خود را بپردازند.

علاوه بر دلایل فوق آیا چنین عمل تبعیض آمیزی تفرقه افکندن بین صفوف کارگران نیست؟

این سند و اسناد بیشتر دیگری نظیر آن نشان دهنده ماهیت ضد کارگری حاکمیت کنونی است. کارگران آگاه و مبارز هرگزین تن به چنین قوانین ضد کارگری ندانند و آنرا موبه موبه برای کارگران و زحمتکشانشان آتش خواهند کرد.

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۵۸
سال اول - شماره ۳۸ صفحه ۱۰



آغاز محاکمات انقلابی دو نیکار اگسونه

دولت اغلابی سکارا کوته سه
دو نیکار اگسونه کورسوردان
حدود هفت هزار و شصت نفری از
و اسکالر و زجه قضایی را محاکمه کنند
اسکالری هستند که در زمان
دیکتاتوری آنتانازا و موزا از
سام اوجمایت می زدند و برای
حفظ رژیم موزا را اغلابی مسور

می جنگند. افراد کار دلی موزا
که در گذشته سنگسار قتل سازان
دست می زدند. سر دوس این
رنداسان هستند.
شورای اغلاب سکارا کوته ختم
۲۶ ساله ای از جنبه حرکتی
ساخته نیستند و راه عنوان دادستان
اغلابی این محاکمات انتخاب کرده

است اس دختر در سال گذشته
برای عیال کشتن رئیس ستاد
آرمن موزا را داد نمود
دولت انقلابی نیکار اگسونه
دستور داده حقوقدانان اس کتور
وکالت رندانیان را به عهد کرده

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای
مبارز و انقلابی ایران است